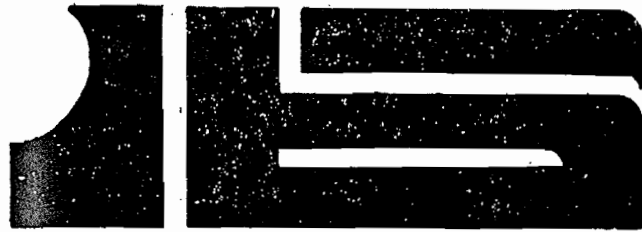


قانون اساسی باید مدافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۶

سرمقاله

نتیجه انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری روزافزون توده ها از احیای روابط گذشته و از سیاستهای انحصار طلبان است

شیوه رای گیری و شمارش آراء و حتی شیوه اعلان نتایج انتخابات مجلس به اصطلاح خبرگان، نشانه ورشکستگی سیاسی و فکری گردانندگان انتخابات بود. رفتار و کردار دولت و مسئولان امور پارلیمنتر به خوبی نشان داد که می خواهند هر طوری شده از ارتقاء آگاهی سیاسی توده ها جلوگیری کنند و حتی المقدور توده را از شرکت در تعیین سرنوشت خود محروم سازند.

در واقع حاکمیتی که قراردادهای اقتصادی و نظامی رژیم شاه را با امریالیسم امریکا ایفا می کند و صراحتاً از این سیاست دفاع می کند حاکمیتی که کارشناسان نظامی امریکا این دشمنان سوگند خورده خلقهای ایران را دوباره به همین باز می گرداند، ضد اطلاعات ارتش را دوباره مثل سابق و برای حفظ اطاعت گورگورانه و تبدیل ارتشیان به مهرهای سرکوبگر سرمایه داری، احیا می کند و ساواک را البته بنا به اظهارات سخنگوی دولت با محتوایی جدید، تجدید سازمان می کند و خلاصه این که به سرعت برای به بند کشیدن و سرکوب مردم ایران و نجات سرمایه داری آماده می شود، چاره ای هم جز ادامه همین سیاستهای انحصار طلبانه و ضد دموکراتیک ندارد و نخواهد داشت.

لیکن واکنش توده ها نسبت به انتخابات، الفشاری خود مردم از نحوه برگزاری انتخابات و عدم شرکت گروههای وسیعی از مردم همه و همه نشان می دهد که شناخت توده ها نیز از حاکمیت سیاسی موجود هر روز عمق و گسترش بیشتری می یابد و حتی انحصار طلبان روز بروز کم رنگتر می شود.

مردم در جریان روزهای پیش از انتخابات به خوبی مشاهده کردند که گروههای فشار یعنی فلاتریت های مودر حمایت دولت چه محیطی پدید آوردند و چگونه با تهدید، ارباب، فشار، حمله به مردم و پاره کردن اعلامیه ها و بیانیه ها، نگذاشتند صدای نیروهای انقلابی به گوش مردم برسد. لیکن خود این اعمال ماهیت کارگردانان آن را بیش از پیش افشا ساخت و ثابت کرد که آنهاهی که نه به توده ها بلکه به سرمایه داری تکیه دارند فقط در سایه تهدید و ارباب، عوام فریبی و اعمال تروریستی می توانند چند صباحی دیگر به حیات خود ادامه دهند. انتخابات در چنین شرایطی برگزار شد و در اکثر حوزه ها رای بیسوادان را هواداران حزب جمهوری اسلامی نوشتند و به صندوقها ریختند، خودشان مسئول رای گیری بودند و بقیه در پیچیده ۶

چرا کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مو تلفین از صندوق ها بیرون آمدند

استقبال مردم از این انتخابات را با رفتارندوم جمهوری اسلامی قابل مقایسه ندانست. البته تا لحظه نگارش این مقاله هنوز نتایج قطعی اعلام نشده است. با وجود همه شواهد از کاهش قابل ملاحظه تعداد شرکت کنندگان در رای گیری حکایت می کند. بررسی وتحلیل دلایل بقیه در صفحه ۴

ما تا زگی داشت و هر چند که پس از قیام پرشکوہ بهمن ماه از پیروزی خلق زحمتکش بر شاه و اخراج او طبیعتاً انتظار میرفت توده مردم با شور و شوقی بس بیشتر از آنچه مشاهده شد در انتخاب نماینده خود برای مجلس بررسی قانون اساسی شرکت کنند اما، حتی وزیر کشور هم در اظهار رسمی خود

سراجم انتخابات «مجلس خبرگان» برگزار شد، مجلسی که قرار است قانون اساسی جمهوری را تدوین کند. هر چند که چنین رویدادی در تاریخ میهن

نظر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون انتخابات «مجلس خبرگان»

اکنون انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی پایان یافته و حاصل کار گردانندگان امور باید مورد قضاوت خلقهای ایران و تاریخ قرار گیرد. نظر به اهمیت موضوع و اینکه این انتخابات، بدستی برای آینده خواهد شد، بقیه در صفحه ۴

رفیق فدایی و نداد ایمانی بدست مروتجمعین سرسپرده امپریالیسم به شهادت رسید



● آنان که انقلابیون راستین خلق را به خون می کشند باید بدانند که هرگز نمی توانند از چنگ مروت جمعین سرسپرده امپریالیسم

بیکار دیگر دستهای جنایتکار ارتجاع زسر سردگان سرمایه داری، دستهای کسانی که زیر پوشش دفاع از دین از منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ دفاع می کنند، از آستین



را سرخ فدائیان خلق نشان داده است که از هر قطره خون ماهران را زمینده بگیرد به با خواهد خاست.

بیرون آمدند و یکی از فرزندان برومندان ایران، فدائی خلق، رفیق و نداد ایمانی را به شهادت رساندند و بدینسان شهید دیگری را بر هزاران شهید بخون خفته خلقهای ستمکش ایران افزودند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، همسدا با همه مردم آگاه و انقلابی میهن، ضمن ابراز تنفر و ازتراجاز جنایتهای کثیف عناصر مرتجع و مزدور که هر روز در گوشه و کنار ایران دست به جنایات تازه ای میزنند اعلام میدارد که فعالیتهای ضد خلقی، ضد انقلابی و جنایتکارانه

درباره وسائل ایمنی کار

سرمایه داران نادیده گرفته میشدند. است. روزی نیست که در کارگاهها و کارخانهها در اثر سوجدجوی کارفرما و تهیه نکردن وسایل حفاظتی، کارگران دچار سانحه، نقص عضو و احیاناً فوت نشوند. در تمام موارد کارگران سهل انگار و بی احتیاط و کارفرمایان بی گناه نشان داده میشوند.

ماده ۶۱ تا ۷۴ قانون کار (کارفرما) سابق درباره وسایل حفاظتی کار صحبت میکند. بطور خلاصه در باره این مواد گفته میشود که کارفرما موظف است سالیانه دو دست لباس در اختیار کارگران بگذارد، بنا بر نوع کار کارگر وسایل ایمنی از قبیل کفش حفاظتی، کلاه مخصوص قلزی، کمربند ایمنی و... تهیه نماید. و بالاخره در ماده ۷۴ می آید که «کارفرما مکلف است مراقبت نماید که کارگران مرتباً از این وسایل استفاده کنند که بوسیله او تهیه و در اختیار آنان گذاشته شده، استفاده نمایند. عدم استفاده از وسایل مزبور قصور در انجام وظیفه محسوب میشود.» کارگران بهتر از هر کسی میدانند حتی این قوانین که بوسیله سرمایه داران و دولتشان و در جهت منافع سرمایه داران تهیه شده بود، نیز بر روی کاغذ بوده است و توسط کلیه

سرکوب مطبوعات حمله به دستاوردهای قیام است

خبر توقیف روزنامه آیندگان و حمله به هیئت تحریریه این روزنامه بیانگر توطئهای ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه ای است که هدف آن حمله به دستاوردهای قیام است. در حقیقت این اقدامات مقدمه ای است برای دریندد کشیدن توده های ستمدیده خلق. البته از منتهای پیش انتظار چنین اقداماتی از جانب دولت میرفت، تنها کافی بود تا لایحه مطبوعات تصویب برسد و موج سرکوب نشریات آزادیخواه شروع شود.

تا سیه روی شود...

در خلال چند روز گذشته سرپرست موقت تلویزیون، قطبزنه به بیانه توضیح پیرامون اطلاعیه سازمان ما درباره منظره تلویزیونی مطابق معمول به جعل و تحریف حقایق پرداخت. البته قطبزنه بی اعتبارتر از آنست که بتواند مردم را فریب دهد. اما در مورد اظهارات او پیرامون منظره مورد بحث بنظر ما تنها کافی است که دو فیلم مورد بحث بهمان ترتیبی که ضبط شده است، یکبار بطور کامل پخش شود تا مردم قضاوت کنند حق باکی است و چه کسی حقایق را تحریف می کند.

گزارشی از مبارزات کارگران شرکت حفاری ایران ردینگ اندیتس

در صفحه ۷

توضیح ...

پندبندت جزواتی بطرق مختلف با آرم سازمان وبه اعضای «چریکهای فدائی خلق» توسط اشرف دهقانی منتشر شده است. از آنجا که برای بسیاری این مساله طرح شده است که آیا این جزوات از انتشارات رسمی سازمان است یا نه؟ توضیح میدهم که نه تنها مطالب منتشر شده از انتشارات سازمان نیست، بلکه هیچ یک از ترزهای آن نیز نمی تواند مورد تأیید مارکسیست - لنینیستها باشد. چون اشرف دهقانی احتمالاً در آینده نیز به این کار ادامه خواهد داد، لذا ضروری است اعضاء و هواداران سازمان در تشخیص وتمیز آثار منتشر شده توسط سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، از مطالب اشرف دهقانی که عموماً با تصویر رفیق شهید سعید احمدزاده همراه است، هوطنان را راهنمایی کنند.

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»

۵۸ - ۸ - ۱۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

نظر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون انتخابات مجلس خبرگان

بقیه از صفحه ۱

می‌شوند: «آخر مردم آثرا می‌خوانند و ممکن است تحت تاثیر قرار بگیرند». ما نسبت به این سیاست سرکوبگرانه، ضد دموکراتیک، ضد آزادی، و انحصار طلبانه شدیداً اعتراض کرده‌ایم. خواهش ما اینست که در تهران و حومه انتشار می‌دهند. پس از دریافت گزارش‌های ایالات و بررسی وسیعتر آنها سازمان نظر جامع خود را نسبت به نحوه انجام انتخابات در سراسر ایران برای آگاهی خلقهای مبارز میهن اعلام خواهد کرد.

۱- همانطور که سازمان قبلاً اعلام کرده است، مجلس خبرگان طرحی بود برای کسب حق انحصاری تدوین قانون اساسی و جلوگیری از مداخله سایر نیروها از شرکت در این امر. ما پیشنهاد کرده بودیم به ازای هر ۵۰ هزار نفر از تبه ایران یک نماینده به مجلس برود و مجلسی با ۷۵۰ نماینده تشکیل شود تا همه نیروها، همه خلقها، همه اقشار و طبقات خلق در آن نماینده داشته باشند. ما گفته بودیم چنانچه اهمیت مجلس بررسی قانون اساسی بیش از مجلس شورای ملی است باید نمایندگان آن هم بیشتر باشد. اما انحصار طلبان هیچگونه توجهی به این پیشنهاد نکردند و بجای مجلسی که می‌بایست با ۷۵۰ نفر تشکیل می‌شد، مجلسی با ۷۵ نماینده تشکیل دادند. این درست نمودار غیر دموکراتیک ترین و انحصار طلبانه ترین کوشش گردانندگان امور است. ما معتقدیم سازمانها و آزادی که کاندیدا اعلام میکنند به نسبت آثرا که می‌آورند تا یک حد مناسب مینماید باید در مجلس نماینده داشته باشند چنانچه مطابق نظر ما مجلس نامی ۵۰ هزار نفر از سکنه ایران میتواند یک نماینده برای تدوین و تصویب قانون بنماید. چنانچه تازه با رعایت نظر گردانندگان امور که می‌خواهند فقط ۷۵ نفر را به مجلس بفرستند به مساله بنکریم، مثلا در تهران با توجه به اینکه حق شرکت در انتخابات برای افراد شازده سال بالای ۲۰ نفر گرفته شد اما طبقاتی از مردم که حدود ۲۰۰ هزار نفر از آنها به مجلس بروند حال آنکه ترتیبی اتخاذ کرده‌اند که بازنمایندگان هیچ سازمانی حتی اگر صد هزار نفر هم بیایند به مجلس راه نمی‌یابند. این مشخصا شکر دیگری بوده است برای انحصاری کردن حق تدوین قانون اساسی برای حزب جمهوری اسلامی و موقتین.

۲- پنجشنبه شب یازدهم مرداد اعلامیه‌ای به‌نام آیت‌الله مهدوی کنی ویسی از آن سخنانی از جانب سایر مراجع کتب بر محکوم کردن، پاره کردن اعلامیه و پوسترهای سازمان های مختلف و عدم تعرض به آنها انتشار یافت. تصور مهرد آقای مهدوی کنی و همچنین مسئولین وزارت کشور از بسیج کارکنان کمیته‌ها برای پاره کردن اعلامیه و پوستر های سازمان نه تنها مطلق بود، بلکه طبق موارد مکرری که اتفاق افتاده است بنا به دستور مقامات بالا وظیفه داشته‌اند اعلامیه‌های سازمان را پاره کنند و توزیع کنند آثرا به کمیته بیاورند. در طول پخش تراکت‌های سازمان بیش از ۱۵۰ مورد حمله به توزیع کنندگان اعلامیه‌ها، مشروب و خجروش کردن آنها و پاره کردن یا حتی آتش زدن اعلامیه‌ها و تراکت‌ها و بازداشت توزیع کنندگان توسط کمیته‌ها وجود داشته است. چند نفر از هواداران سازمان در بیمارستان پتری شهادت دادند. ما می‌پریم چگونه آنها در آخرین ساعات فرست محدودی که برای تبلیغات وجود داشت، وقتی پاره کردن تراکت‌های معرفی کاندیداها در سطح شهر پایان رسیده بود آیت‌الله کنی اعلامیه خود را صادر کردند. آیا ایشان که ریاست همه کمیته‌ها را برعهده دارند واقعا تا آن لحظه نمی‌دانستند بیش از ۱۵۰ نفر از هواداران سازمان را افراد وابسته به کمیته‌ها به طرز وحشیانه‌ای مورد حمله قرار داده و بویژه دانش آموزان توزیع کنندگان اعلامیه را بر کتک گرفته‌اند؟ آیا آقای مهدوی کنی نمی‌دانستند در شهر چه می‌گذرد؟ تنها کسانی که از آگاه شدن مردم می‌ترسند، کسانی که به عقاید خود پایبند نیستند و به سستی آن سعی بردارند از آگاه شدن مردم، از پخش شدن اعلامیه و تراکت وحشت دارند. وقتی توزیع کنندگان اعلامیه از فرد وابسته به کمیته می‌پرند چرا اعلامیه را پاره می‌کنید؟ جواب

۳- تقریباً در سردر تمام حوزها پوسترهای کاندیداها حزب جمهوری اسلامی نصب شده است. در تمام حوزها و رفته‌رفته پخش شده است که بطرز خودسرانه و عوام قریبه‌ای در آنها و نامود شده بود رای‌دادن به ۱۵ نفر کاندیداها موقتین اجرای فرمان امام است. و این هم یک تخلف آشکار از مقررات انتخابات بوده است و هم یک تقلب و جعل آشکار برای جلب آرای مردم. همه مردم ناظر پخش وسیع این اوراق در سطح شهر در ساعات رای گیری بودند و این در شرایطی بوده است که سایر شرکت کنندگان با رعایت مقررات طی ساعات رای گیری فعالیت تبلیغاتی خود را قطع کرده بودند. مگس‌ها، نوارها و سایر مدارکی که از این تخلفات جمع‌آوری شده در آرشيو سازمان ضبط است و بوضوح موارد تخلف را نشان می‌دهد.

۴- رادیو - تلویزیون نیز در جریان رای گیری اصل بیطرفی را نقش کرده است چرا که در طی مساجهای خیابانی و رپورتاژها که پخش می‌کردند عوام از سیاستی که حزب جمهوری اسلامی متعصب می‌کند هواداری کرده است هر چند رادیو و تلویزیون، مساجهای آنها که اسامی کاندیداها را همراه داشته باشند پخش نکرده‌اند. ولی به‌تایید همه شنونده‌گان و بینندگان همه مردم را به هواداری از کاندیدا های جمهوری اسلامی آشکارا دعوت می‌کرده است.

این رپورتاژها ادامه همان سیاست انحصار طلبانه‌ایست که بویژه شبکه تلویزیونی کشور را فرا گرفته است. با درود به خلقهای قهرمان ایران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۱۳۵۸/۸/۱۲

چرا کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین از صندوقها بیرون آمدند

بقیه از صفحه ۱

میکرند که رای دادن به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین يك وظیفه شرعی است در این امر شرکت کردند و با اینکه رهبری روحانیت سرچا از يك لیست کاندیداتوری خاص حمایت نکرد. حزب جمهوری اسلامی سرچا بطور شفاهی و تلویحاً بطور کتبی اعلام کرد که رای دادن به لیست دهنده فریاد امام است و بدین وسیله بسا زرنگی خاصی از علائق مذهبی مردم بیرون کاندیداهای خود بهره‌برداری کرد. برخوردای عینی رفقای ما نشان داده‌است که اکثر مراجعین به حوزها رای گیری فقط میدانسته‌اند که باید بفرمان امام «رای بدهند» ولی برای آنها شخص نبوده است به‌جای کسی که برای چه منظوری باید رای بدهند و این حد بسیار نازل دموکراتیک شایسته یافته میان توده‌ها را به‌بازترین شکل ممکن بازگو می‌کند.

۲۵ سال دیکتاتوری خونین و رغوت کامل مبارزات انتخاباتی اعتقاد به ضرورت تأمین حقوق دموکراتیک و آزادی سیاسی را در ذهنیت توده‌ها در حد نفرت از دیکتاتوری شاه نگاه داشته است و نه چیزی بیش از آن. اکثریت توده مردم واقعا نمی‌دانستند انتخابات مجلس خبرگان به‌مجرد آنها می‌خورد، سازمان ما تنها سازمانی بود که بخصوص از طریق تراکت ها کوشید مفاد قانون اساسی را برای مردم توضیح دهد. و برای آن نیز نیروی نسبتاً وسیعی بسیج کرد. ولی حاصل ناچیز کار افکارگانه سازمان در این زمینه بخصوص در مناطق جنوب شهر و محلات فقیر نشین نشان داد که در نظر وسیع ترین توده‌های خلق اهمیت تصویب این یا آن قانون میزان تاثیر آن در زندگی عملی ایشان واقعا آنچنان مطرح نیست. در مجموع مشاهدات ما حاکی از آن است که کسانی که پیش نویس قانون اساسی را واقعا خوانده یا حتی دیده باشند به‌تیر، معنود است. کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین عموماً کسانی بوده‌اند که پیش نویس را ندیده بودند و یا با اساس آن موافق بودند و حکمت‌انشار متن پیش نویس قانون اساسی قبل از تشکیل مجلس بررسی آن ظاهراً این بوده است که رای دهندگان با مطالعه و بر مبنای طرح نظرات تدوین کنندگان بایشان رای دهند.

ولی تمام حقایق نشان می‌دهد که آثرا که بر اساس قبول پیش نویس مصود حزب جمهوری اسلامی به‌سندوقها ریخته شده چنان ناچیز است که در خور محاسبه نیست. حمله وسیع کمیته‌ها و موقتین از مخالفان و حاکمان است. توده‌ها به‌برنامه‌ها و سیاست حزب جمهوری اسلامی از هدفها و برنامه‌ها و سیاست حزب جمهوری اسلامی و موقتین آن مطلع نبوده‌اند، آنان اکثریت کاندیداهای اعلام شده از جانب ائتلاف را نمی‌شناخته‌اند، آنان چیزی از محتوای طرح پیش نویس نمی‌دانستند. توده‌ها به‌برنامه‌ها و سیاست حزب رای داده‌اند و نه به‌چهره‌های آن و نه به‌پیش نویس پیشنهادی‌اش.

علاوه بر تاثیر ۲۵ سال دیکتاتوری و سایر عوامل در تصمیف استقبال از دموکراتیک در میان توده‌ها باید از تاثیر تبلیغاتی که جنیداً در زمینه ترمیف و نقش و مسئولیت‌های دهنده و رابطه آن با «امت» و لزوماً تفویض حق تدوین قوانین به‌خبرگان و ترویج ایده عدم صلاحیت توده‌ها در مداخله در امر قانونگذاری صورت گرفته است نام برد. جریانهای شخصی در احیای افکار شیخ فضل‌الله نوری و مشروع خواهی او تلاشی وسیعی را آغاز کرده و ذهن بسیاری از توده‌های ناآگاه را از این آیدما پاشته‌اند که گویا توده‌ها حق و صلاحیت شرکت در امر قانونگذاری را ندارند و این وظیفه تنها به‌عهده «خبرگان» است.

ترویج این آیدما که درست در جهت عکس جریانهای ترمیف عصر مشروطه خواهی صورت می‌گیرد تا حدود معینی ذهن‌های تیره‌ترین اقشار توده را که بر ارضی زیر تاثیر تبلیغات مدافعان این نظر قرار می‌گیرند از درک حقوق و وظایف خودش محروم ساخته و به تبعیت کورکورانه از «دهبری» سوق داده است. هرگاه در این زمینه انگیزه‌ها و دلایل توده‌ها را از شرکت در راهپیمایی وحدت و شرکت در انتخابات مجلس خبرگان را مورد نظر قرار دهیم درخواهیم یافت که آنان تصور می‌کنند اینها حرد و انجام فریض سیاسی دینی است.

کثر کسی از توده‌های ناآگاه در این فکر بوده است که اولی امریت محدود با اعلام حمایت از يك پیشوا و دومی شخصاً مشارکت در طراحی سیستم حکومتی و رژیم سیاسی ایران است. توده مردم واقعا تفاوت چندانی بین دلایل و لزوم شرکتشان در راهپیمایی وحدت و انتخابات مجلس خبرگان نمی‌دیدند در نظر آنها هر دو اینها پاسخی بود به فرمان امام.

خطات هرگاه تصور کنیم که ریشه‌های این اطاعت توده‌ها تنها در تاملات و احساسات مذهبی آنها نهفته است. این اعتقاد توده‌ها به عوامل بسیار وابسته است. از آن جمله است سطح آگاهی سیاسی آنان و درکشان از ماهیت تحولات اخیر. سرنگونی رژیم شاه و رهائی از اختناق سرکوب سیستماتیک آن در ذهن توده‌ها تا حد زیادی با نقش رهبری روحانیت پیوند خورده است. همان رابطه‌ای که بین ملی شدن نفت و مصدق در ذهن توده‌ها نقش بسته بود اکنون بین سرنگونی شاه و رهبری خسرده بوزروائی جنبش نقش بسته است. علاوه بر این با توجه به آنچه گفته شد اگر دراییم کم بهتیت خود انگیزه توده مردم نمی‌توانستیم «پروزی» را چیزی فراتر از سرنگونی رژیم سیاسی و سرکوب سرکندگان و گردانندگان اصلی آن ببیند. آنگاه متوجه خواهیم شد که در روانشناسی توده رای دهنده به‌حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین مشخصا نوعی قدرشناسی سیاسی است که سخت با احساسات مذهبی درآمیخته وجود داشته است.

شناختن برای اینکه نقش و تاثیر احساسات و تاملات مذهبی را در «لیک» ببینند توده‌ها دراییم که در میان آنها و بویژه در یا پیروان سایر مراجع تقلید توجه کنیم و دراییم که چگونه در میان آنها و بویژه در میان خلقهای تحت ستم، فزولگه و احتاد به‌حزب جمهوری اسلامی تاجه حد ست و ضیف است این حقیقت به‌مانشان خواهد داد که چگونه در مناطقی که قلمرو حزب جمهوری اسلامی است احساسات و تاملات مذهبی همچون محلی با کارایی بسیار برای پیشبرد آرمان‌های مردم بوزروازی سستی بکار گرفته می‌شود.

بررسی روانشناسی توده‌های رای دهنده به حزب جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در دیدگاهها و انگیزه‌های آنان نه اعتقادی به حزب جمهوری اسلامی مطرح بوده است، نه اعتقاد سیاسی به‌لیست کاندیداها و نه تأیید متن پیش نویس.

این امر از بسیاری جهات برای نیروهای انقلابی ضروری است. تحلیل علمی و درست از این واقعیت در غور اهمیت بسیار است. برخی با قضاوتی عجولانه و سردستی از این واقعیت باین نتیجه می‌رسند که وضعیت روانی توده‌ها در رابطه با حاکمیت پانده ۱۸۵۰ درجه تغییر یافته است. این رفق همیشه عادت داشته‌اند تحلیلات شیرین خود را واقعیت بدانند و بر همان پایه نیز تاکتیک و نقشه خویش را تدوین کنند.

ما در آینده براساس این واقعیت کسه جنبه‌هایی از موقعیت روانی توده‌ها را بازگو می‌کنیم جنبه‌هایی که در انتشار خواهیم داد اما فعلا توضیح خواهیم داد چه کسانی و با چه دیدگاه‌هایی و با چه انگیزه‌هایی برای سنوقهای رای رفتند تا به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین رای دهند.

۱- قیلا توضیح دهیم که از خیلی پیش همه چیز حکایت از آن داشت که کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین منحصرأ کرسی‌های مجلس خبرگان را به خود اختصاص خواهند داد. چرا که اختراع مجلس خبرگان بهای مؤسسان، شیوه گرفتن نماینده براساس حائزین اکثریت و نه براساس حدسناپ آرا استوار بود. انتخابات براساس تقسیمات کشوری مسخره و ضد خلقی رژیم سابق صورت گرفت. زمان تبلیغات انتخاباتی بسیار محدود بود. انتخابات در اواسط ماه رمضان و درحالی برگزار شد که تریبون‌های مساجد به‌فصلترین شکل به‌نفع يك گروه خاص تبلیغ کردند و از آن سو از فعالیت‌های تبلیغاتی سایر جریانه‌ها منمانت می‌شد همانند از پخش تراکت و اعلامیه، حمله به‌پیشن کنندگان اعلامیه‌مشروب کردن و دستگیری آنها، پاره کردن، آتش زدن و از بین بردن نشریات دیگران که تماماً «به‌سور مقامات بالا» صورت می‌گرفت و بالاخره نوشتن رای مراجعین بی‌سواد - اکثری زنان - به‌سود حزب جمهوری اسلامی در همه حوزها رایج بود. بسیاری از رای دهندگان بویژه بیسوادان ششانی از تک‌تک کاندیداها ندانستند. و اختیار حوزها و مشاور آثرا هم در دست کمیته‌ها و افرادی بود که بفتح حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین کار می‌کردند. انتخابات در اکثر جاها انحصاراً زیر نظر حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین و بدون حضور حتی يك فرد مخالف انجام گرفت. و همه این کارها برای آن بود که از ورود مخالفین به مجلس جلوگیری کنند؟ همه این تمهیدات که شردیم برای کسب حق‌الامتیاز انحصاری تدوین قانون اساسی بوده است.

اما براسی دیدگاهها و انگیزه‌های رای دهندگان چه بوده است؟ اکثریت مطلق رای دهندگان آثرا خود را به‌رحال به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین داده‌اند. چرا؟ آیا اهداف، برنامه‌ها و سیاستهای این حزب برای توده رای دهنده توضیح داده شده بود؟ آیا آنان با اعتقاد و شخستی که به کاندیداها داشتند بدان رای دادند؟ آیا مثلا در استان تهران مردم بتک‌تک کاندیداها را می‌شناختند؟ و می‌دانستند که دقیقاً همین‌ها صلاحیت تدوین قانون اساسی مورد نظر ایشان را دارند؟ با اعتقاد ما تعداد کسانی که میدانستند حزب جدیدالتاسیس جمهوری اسلامی چیست و چه می‌گوید یا کاندیداها آن (بجز يك - دونف) چه کسانی هستند از چند در صد کل توده رای دهنده به‌این ائتلاف بیشتر نبود.

توده رای دهنده یعنی توده زحمتکشان شهر و روستا بدنبال خرد بوزروازی سستی که نمایندگان سستی آن در حزب جمهوری اسلامی گرد آمده‌اند کشیده شدند گرچه برای اقتار بالایی و میانی خرد بوزروازی سستی بویژه بازاریان هم حزب جمهوری اسلامی مقوله‌ای شناخته شده است و هم اکثریت کاندیداهای آن. اما وضع توده مردم چنین نیست. آنها از يك سو نظر به‌اعتقادی که به‌روحانیت دارند و از سوی دیگر نظر به‌اینکه عمدتاً خیسال

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

عمل باصطلاح انقلابی شورای فرمایشی کارگران

کسی مستخف نیست. میگویند هرکس بهر طریق بر او ظلم شده و ضعیف گردیده مستخف است. مثل صاحبان صنایع و تاجران بازاری و سازوکارهای آنها و بطور کلی آنها که دولت دارد به آنها وام میدهد تا دوباره شروع به تجارت کنند. یا صاحبان صنایع که فراری شده اند و از آنها خواست شده که مجدداً برگردند و سرمایه گذاری کنند. مثل هدایتها و رضانی ها. اینها همه مستخف هستند و باید صاحب خانه شوند. و ما هم در این امر خیر شریک هستیم.

(یک نکته دیگر باقی است که آقایان نمایندگان باید قیلاً برای کارگران توضیح میدادند. حالا که زدی ریشه کن شده، پولها به مصرف اسلحههای گران قیمت نمیرسد، طرح های بزرگ صنعتی طاعونی تعطیل شده، پول این چهار (۴) میلیون بشکفته نفت در روز کجا پس انداز میشود. حتماً برای خانسازی برای نسلهای آینده، نظر ما کارگران مهم نیست. تا نظر شما چه باشد!)

خوابکار رژیم ساواک را نکرده. کلمه های بند انقلاب و منافق میان مردم شایع شده و جایز گردیدند.

تجب نکتید این تازه بهار آزادی است و چون سیر انقلابی دولت تمام شده، شکوفه های آزادی را از همین الان از شاخه جدا میکنند و وقتی شکوفه ها تمام شد و درخت انقلاب سست شد پاییز انقلاب از راه میرسد.

شورای کارگران شایسته است جواب دهند آیا با این کینه دوختن ها میتوان خانه ساخت؟ اگر حساب کنید می بینید یکسروز حقوق کلیه کارکنان کارخانجات کمتر از سود یکروز کارخانجات است و آیا سرمایه داران یکروز سودشان را به صاحب ۱۰۰ واریز کرده اند؟ و آیا شما بهتر نبود قیلاً این برای انقلابی را به سر آنها نازل میکردید؟

بهر حال قرار است برای مستخفین خانه بسازند. چه بهتر از این. ما کارگران هم خانه دار میشویم. چون گفته اند کارگران هم گاهی اوقات مستخف هستند. ولی چیزی که هنوز مشخص نشده، این است که معلوم نیست چه

بالاخره چشم ودلمان به اولین اقدام به اصطلاح انقلابی شورای کارگران (منتخب کمیته کار و امور اجتماعی اهواز) روشن شد.

قصیه از این قراز است که وقتی کارگران دوز چهارم تیر جهت دریافت حقوق به حسابداری مراجعه میکنند با کمال تجب می بینند یکروز از حقوق آنها کسر شده و قرار است به حساب ۱۰۰ کسک به امر خانسازی ریخته شود. صحبت بر سر یکروز حقوق نیست، ما باین عمل خود سرانه اعتراض داریم که حتی شورا موضوعاً با کارگران در میان نگذاشته و وقیح تر اینکه میگویند ما اعلام کرده ایم هرکس مایل نیست مخالفت خود را اعلام کند. نمایندگان محترم اعلام نکرده اند که کارگران نسبت به چه چیز اعتراض و مخالفت کنند آیا بگویند با خانه سازی مخالفتیم، بگویند کس شدن یکروز حقوق یعنی گرسنگی دو روز. خانواده شان. هر چه بگویند فرق نمیکند. زیرا پلافاصله منافق یا کمونیت و یا ضد انقلاب معرفی میشود و این خیلی بدتر از دو روز گرسنگی است! کسی فکر کنیم هنوز کلمه شهید جای

اعتصاب کارگران مبارز کارخانه شوفاز کار

اعتصاب کارگران مبارز شوفازکار تهران - کارگران کارخانه شوفازکار از یکشنبه هفته گذشته بخاطر مقاومت کارفرمایان در برابر خواستهای برحقشان دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان اجرائی دستورالعمل وزارت کار که حداقل حقوق را ۵۶۲ ریال تعیین کرده، هستند اما کارفرمایان با این خواست مخالفت می کنند. از آنجا که پایه حقوق کارگران ۲۲۵ ریال است کارگران معتقدند باید ۳۵۰ ریال به حقوقشان افزوده شود ولی کارفرمایان فقط با افزودن ۱۶۰ ریال موافقت کرده اند. اعتصاب کارگران پس از دو هفته مذاکره میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان که به نتیجه نرسید صورت گرفت. در نخستین روز اعتصاب، کارفرمایان حاضر نشدند به کارگران جوابی بدهند و خود را به بی نظافتی زدند ولی کارگران تصمیم گرفتند با قاطعیت به مبارزه ادامه دهند. صبح روز دوشنبه نمایندگان کارگران و کارمندان برای آخرین بار با کارفرمایان مذاکره کردند ولی آنها هیچکدام از خواستهای کارگران بجز طرح طبقه بندی مشاغل را نپذیرفتند.

کارگران روز دوشنبه تصمیم گرفتند به نخست وزیری بروند. آنها در حالیکه لباسهای کار به تن داشتند با شعار «سرمایه دار نابود است» از جاده کرج به سمت نخست وزیری حرکت کردند و با دادن شمارهای انقلابی در خیابان مقابل نخست وزیری دست به

راهپیمائی زدند. دوتن از نمایندگان کارگران با مسئولان نخست وزیری مذاکره کردند و به آنها گفته شد روز شنبه بمجلس کار بازگردند تا به خواستهایشان رسیدگی شود. کارگران حاضر شدند بمجلس کارخانه بازگردند ولی تا انبساط خواستهایشان دست به کار نزنند.

خواستهای کارگران مبارز کارخانه شوفاز کار عبارتست از:

- ۱- افزودن حقوق کارگران به مقدار حداقل ۳۵۰ ریال
- ۲- بازگشت تمام کارگران اجرائی و به ویژه نمایندگان مبارز کارگران که چند ماه پیش اخراج شدند.
- ۳- اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل
- ۴- اخراج عوامل ضد کارگر و نیز کسانی که از دوجا حقوق میگیرند (مثل پازنشنگان)
- ۵- دریافت حق مسکن به میزان ۶۰۰۰ ریال در ماه

کارگران گفته اند چنانچه به خواستهایشان رسیدگی نشود خواهان ملی شدن کارخانه خواهند شد.

کارخانه شوفازکار از بزرگترین کارخانجات معدن ریختهگری است که مساحت میلیون تومان در آن سرمایه گذاری شده است و میتواند نقش مهمی در تولیدات زیربنایی داشته باشد.

نامه يك کار آموز حرفه ای

از بیکاری و ناراحتی که داشتیم به وزارت کار مراجعه کردم که بلکه کاری بمن بدهند در آنجا هم بمن گفتند باید بروی یک دوره بیینی منو به آموزشگاه حرفه ای کرج فرستادند حال که چهارماه از دوره من میگذرد میگویند که ما تمسین کاری نمیکنیم یعنی بعد از اینکه دوره تمام شد بروی کار بگرد.

جناب آقای وزیر کار ما انقلاب کردیم که مانند سابق باشیم ما خون ندادیم کمیتوهرای سابق باز در راس کار قرار گیرند ما کشته ندادیم که وضع ما بدتر بشود.

به تهران آمدم با هزار بدبختی يك نمازه سر پل سیمان ری باز کردم البته با یکی از دوستانه شریکی هنوز چند ماهی نگذشته بود که اجناسی نمازه را نزدییدند تمام هستی من همین يك نمازه بود به کیمتیه و تمام جا مراجعه کردم ولی جوابی ندادند حتی به بانک اسلامی مراجعه کردم که مقداری وام بگیرم بلکه نمازه را باز کنم چون بنده شامتی یا آشنائی نداشتم بمن وام ندادند.

پدم يك کارگر است روزی ۵۰۰ ریال مزد میگیرد البته با ۳۷ سال سابقه که در این کارخانه دارد با این ۵۰۰ ریال ۱۵ نفر نان میخورند. شا خودتان پیش خود قضاوت کنید و این پول را به تعداد ۱۵ تقسیم کنید و ببینید بهر نفر چقدر میرسد قیلاً پول بیمه و آب و برق و مالیات هم کم میگردند حالا هم نمی دانم کم می کنند یا نه.

خود بنده هم بعد از اینکه خدمت تمام شد

مسئولان دولتی کارخانه کفش ملی نماینده کارگران راه، تهدید به اخراج کردند

تهران - کارگران کارخانه کفش ملی از نماینده مبارز خود در شورای کارگران حمایت کردند و خواستار نظارت شورای کارگران بر مسائل مربوط به کارخانه شدند. نماینده کارگران که بوسیله مسئولان فلسفی کارخانه کفش ملی تهدید به اخراج شده «آقا شجاعی» نام دارد. مسئولان فلسفی کارخانه که از طرف دولت بر امور کارخانه نظارت می کنند از نمایندگان شورا خواسته اند در کارها دخالت نکنند. در غیر این صورت از کارخانه اخراج و «معد فی الارض» شناخته خواهند شد.

شورای کارگران کفش ملی با حضور نمایندگان قسمتهای فروش تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این کارگر در برابر مسئولان دولتی کارخانه حمایت کند و به

فناوت در راه خواستهای کارگران ادامه دهد.

کارگران شیمه های فروش کفش ملی نیز همبستگی کامل خود را با شورای کارگران کارخانه کفش ملی (واقع در اساعیل آباد کرج) اعلام داشتند.

کارگران کفش ملی اعلام داشته اند با توجه به درآمد قابل توجه کارخانه و سرمایه گذاری عظیم آن در سراسر کشور، کارگران باید از حقوق بیشتری برخوردار شوند. کارگران نسبت به وضع موجود کارخانه اعتراض دارند و میگویند پس از باصلاح ملی شدن کارخانه تغییر چندانی در وضع کارگران پیش نیامده و کارگران مانند گذشته استثمار میشوند.

«ما پیش با حضور روحانیون» دزفول میان کارفرما و کارگران توافق صورت گرفت لیکن در حال حاضر، عملاً کارفرما قرارداد را بی اعتبار می داند. مهمترین خواستهای کارگران عبارتست از: سهم شدن کارگران در سود کوره و کارخانن به کارگران در تمام طول سال.

از ۵ شنبه ۲۸ تیر به منظور افزودن شدن دستزد (دستمزد به ازاء هزار خشت). بیمه و بهداشت محیط اعتصاب کردند. ۱۴ ساعت کار روزانه در کمرای طاقت فرسای ۵۰ درجه به همراه بالا رفتن قیمت اجناس و نداشتن تنذیه مناسب عملاً کارگران را در شرایط نامساعد و مرگ تدریجی قرار داده است.

اعتصاب کارگران کوره پزخانه های دزفول

دزفول: کارگران کوره پزخانه های دزفول



اتحادیه کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

سومین کنگره اتحادیه کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران که از ۱۳۵۰ از شرکت و کارخانه مختلف و حدود ۲۵ هزار کارگر و کارمند تشکیل میشود تاریخ ۵۸۳۲۲۳ تا ۵۸۳۲۲۶ با شرکت حدود ۲۵۰ نماینده از کارخانجات و شرکتهای مختلفی از جمله ماشین سازی اراک، آلومینیوم سازی (ایراکو)، ماشین سازی تبریز، تراکتور سازی تبریز، موتورن، هاکسیران دیزل، لیفت تراک سازی، چوب و کاغذ گیلان، کنتینمازی خلیج فارس، چیت سازی تهران (با فکار)، گونی بافی شاهی، سیان ری، قند ورامین و دهها کارخانه و شرکت دیگر برگزار شد. در این کنگره اساتمه اتحادیه با اصلاحاتی تصویب شد و نام اتحادیه به ۱۱ اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکتهای تابع و وابسته سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تغییر داده شد.

این اتحادیه که در زمان اوج گیری جنبش انقلابی بنیال اعتصابات پراکنده کارخانجات پایه ریزی شده اولین کنگره خود را در تیر ماه ۱۳۵۷ برگزار کرد و هیئت اجرائی

موسس مسئولیت تشکیل شوراهای کارخانجات مختلف، تدوین اساتمه و نیز دعوت کنگره بندی را بعهده گرفت. کنگره دوم توام با تشنج فراوان برگزار شد و گروههای متفاوتی در بره زدن کنگره و ممانعت از ایجاد این اتحادیه داشتند، اما علی رغم تمام خرابیهای کاریها، کنگره توانست هیئت اجرائی بندی را انتخاب کند ولی تصویب اساتمه به کنگره بندی محول شد. کنگره اخیر نیز نه چندان دور از تشنج، امسا در محیطی مناسبتر برگزار شد. در این کنگره اعضای شورای سرگرمی که هیات اجرائی را انتخاب خواهد کرد، برگزیده شدند. مهمترین وظایف شورای مرکزی عبارتست از: ایجاد صندوق مشترک اعتصابات و صندوق بیمه بیکاری، مطالعه در زمینه مسائل مربوط به روابط صنعتی و قوانین کار و بررسی قراردادهای سازمان گسترش با شرکتهای سرمایه گذاری خارجی و داخلی، تضمین کار برای همه اعضا و تلاش برای تامین مسکن، درمان و سایر نیازهای مادی و اجتماعی کارگران. اتحادیه شوراهای نخستین اتحادیه های سراسری شوراهای

خبرهای کوتاه کارگری

تهران - ۸۵ کارگر کارخانه اسپید سازنده بتونهای جدولجوی بخاطر پائین بودن دستزد و عدم رسیدگی کارفرما به خواستهای برحق کارگران دست به اعتصاب زدند. این کارگران در جریان مبارزات علیه رژیم سابق فعالانه شرکت داشتند ۵۰ روز اعتصاب کرده بودند.

بوکان - کارگران و گروههای مختلف مردم بوکان در يك اجتماع همبستگی که روز چهارشنبه سوم مرداد تشکیل دادند درباره ایجاد شورای خلق و ضرورت همکاری و همبستگی بیشتر زحمتکشان کرد بحث و گفتگو کردند. اجتماع همبستگی مردم بوکان که بنصورت اتحادیه های کارگری تشکیل شده بود بسیار موفقیت پایان یافت.

کرمانشاه - کارگران کارگاه میلنگ تراشی موتورکار که در تاریخ ۵۸۳۲۱۹ اداره کارگاه را بعهده گرفته بودند، موفق شدند قسنتی از خواستهای خود را به کارفرما

تعمیل کنند، کارفرما قیلاً علیه کارگران به دادگستری شکایت کرده بود و دادگستری نیز بدون هیچ دلیل، مدت کوتاهی چهار کارگر را بازداشت کرد.

تهران - کارگران شرکت ساختمانی «آپوره» که سرمایه داران اتریشی نند، در آن سهمیه بندی از تاریخ ۵۸۳۲۱۹ دست به اعتصاب زدند. کارگران که در رمصل شرکت واقع در خیابان یوسف آباد، متحصن هستند خواهان افزایش حقوق، دریافت حقوق عقب افتاده، حق مسکن و بیمه هستند.

تبریز - کارگران کارخانه چرم سازی تبریز ضمن افشای رئیس کارخانه که در رژیم سابق ستن از کارگران اعتصاب کننده را تحویل حکومت نظامی داده بود و دوتن از عوامل او، خواهان رسیدگی به وضع آنها شدند. کارگران همچنین نسبت به عقب افتادن پرداخت حقوق ماهیانه شان اعتراض دارند.

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

ادبیات مشروطه هنوز تازگی دارد!

بنیادین سالگرد انقلاب مشروطه، و نیز بنیادین انتخابات مجلس باصلاح خیرگان و مبارزات انتخاباتی که خواه ناخواه در دوران مشروطه را به یاد می آورد، مروی می کنیم بر ادبیات مشروطه و می بینیم که تا چه اندازه این ادبیات تازگی خود را برای ما حفظ کرده است. دلیل آن هم مشابهت سائلی است که در دوران ما و دوران مشروطه، مردم با آنها درگیر بوده اند. از همین روست که پیش از آنکه به شاعران و نویسندگان آن دوران بپردازیم و با برخورد حریک از آنها با مسائل زمان خود در هر دوره آشنا شویم، بختی از یک اعلامیه سوسیالدمکراتهای ایرانی مقیم قفقاز را نقل می کنیم تا ببینیم چگونه در آن دوره نیز بر علیه انقلابیونی که فدائیان خلق خود بودند توطئه چینی می شده است!



من هیچ وقت نمی گویم اثر مخلوقات از حیوان و نبات هم پستتر باشد. من هیچ وقت نمی گویم خر و گاو رئیس و بزرگتر دانه باشند، چمن و زردک پیشوا و آقا و نایبند دانه باشند و مامخلوقات را در همان راه بزنند به سرخودمان.

پدر خدا بیمارزم، شیطانی می کردیم، خانرا سرمی گرفتیم، می گفت الهی هیچ خانه ای بی بزرگتر نباشد. بزرگتر لازم است، رئیس لازم است، آقا لازم است رئیس ملتی هم لازم است، رئیس دولتی هم لازم است، اتفاق و اتحاد این دو طبقه یعنی ساختنشان هم با هم لازم است. اما تا وقتی که این دو تا با هم سازند که ما یکی را از میان بردارند.

این را هیچ کس نمی تواند انکار کند که ما ملت ایران در میان بیست کرور جمعیت، پنج کرور و سیمد و پنجاه و هفت هزار نفر وزیر، امیر، سپهسالار، سردان، امیرتومان، سرکنگ، سرتیپ، سلطان، یاور، میرنجه، سفرکبیر، شازده افرا، یوزباشی، دهباشی و پنجه باشی داریم و گذشته از اینها باز ما ملت ایران در میان بیست کرور جمعیت (خدا پرست بنده) شش کرور و چهارصد و پنجاه و دوهزار و شصت و چهل و دوفتر آیت الله، حجت الاسلام، مجتهد مجاز، امام جمعه، شیخ الاسلام سید ننده، شیخ، ملا، آخوند قطب، مرشد، خلیفه، پیر، دلیل و پیشنماز داریم. علاوه بر اینها باز ما در میان بیست کرور جمعیت چهار کرور شاهزاده، آقاخان، ارباب، خان، ایلیخانی، ایلی بیگی و ابه باشی داریم. زنده بر اینها اگر خدا بگذارد، این آخریها هم قریب دوهزار نفر وکیل مجلس، وکیل انجمن، وکیل بلدی، منشی و دفتردار و غیره داریم.

همه این طبقاتی که عرض شد دو قسم بیشتر نیستند. یک دسته رؤسای ملت و یک دسته اولیای دولت، ولی هر دو دسته یک مقصود بیشتر ندارند. می گویند شما کارکنید زحمت بکشید، آفتاب و سرما بخورید، نخت و عور بگردید، گرسنه و تنه زندگی کنید، بدحید مایه خوریم و شما را حفظ و حراست کنیم. ما چه عرقی داریم! فیضان قبول، خدا بهمان توفیق بنده، راستی راستی هم اگر اینها نباشند سنگ روی سنگ بند نمی گزید، آدم آدم را می خورند، تمدن و تربیت، بزرگی و کوچکی از میان می رود، البته وجود اینها کم یا زیاد برای ما لازم است. اما تا کی، به گمان من تا وقتی که این دو تا با هم سازند کما یکی را از میان بردارند!...

دوران استبداد صغیر
دوقلمه کوتاه از: عزیز حاجی یگوف (۱۹۲۸ - ۱۸۸۵)
نویسنده، شاعر و موسیقیدان بزرگ آذربایجان.
درباره ایران
از اخبار واسله چنین برمی آید که در حال حاضر مردم ایران در سه جنب بزرگ گرد آمده اند.

یکی از این احزاب می گوید که ایران «مشروطه» شود.
دیگری می گوید: خیر، ایران باید مشروطه شود.
و سومی می گوید که نه، ایران باید «مشروطه» شود.
حکومت هم در این میان سرگردان مانده است و نمی داند خواست کدام یک از اینها را بجای آورد. سلطنتهای اروپایی مصلحت او را در آن می بیند که بررسی کند ببیند آیا می تواند با حزب سومین هم دست شود؟

انشاءالله مملکت از دست نمیرود
از: سید اشرف الدین قزوینی (سروف به گیلانی)
نقل از نسیم شمال شماره ۱۶ (دقیقه ۱۳۲۹):
یک رفیقی داشتیم اسمش آخوند ملاساعیل بهلوان بود. هر حرفی که می زد، می گفت انشاء الله.

یک روز به او گفتم: حالا که بازار می روی به کرلانی حسن بقال بگو روز جمعه بیاید زورخانه. گفت: انشاءالله. اما روز جمعه کلاخمن بزورخانه نیامد. بمشدی تمام گفتم: دختر هشت ساله ات را وادار درس بخواند و علم و اخلاق بیاموزد تا وقتی که مادرش بهش راه اندازد تربیت کند. گفت: انشاءالله. بعد از سماه معلوم شد طفل هشت ساله راه یک پیر مرد هشت ساله شوهر داد.

در راه اترلی به درشکمی گفتم: جامه داری یا پنت درشکه محکم کن. گفت: محکم است. انشاءالله طوری نمی شود.
در بازار خمام دیدم جامه داری آویخته شده و از زمین کشیده می شود. گفتم: قارداش جامه داری را محکم کن، نیند. گفت: انشاءالله که نمی آید. وقتی بهفازبان رسیدیم جامه داری در بین راه افتاده بود. گفتم: قارداش، جامه داری افتاد. گفت: انشاءالله پیدا می شود. ولی پیدا نشد.

مصوممخام عیال مندی شبان، میض بود و روزی سهبار غش می کرد. به او گفتم: عیالت را بفرت حکیم تا مالجه شود. گفت: می فرستم انشاءالله. بعد از چند روز که او را دیدم پرسیدم: عیالت را فرستادی؟ گفت: می فرستم انشاءالله. بعد از یک ماه معلوم شد مصومه خانم از بی حکیمی و بدوایی مرد و از دنیا رفته است.
امسال کارها خوب می شود انشاءالله. زمستان بخوشی خواهد گذشت انشاءالله. قرا از گرسنگی نخواهد مرد انشاءالله. روسها بخوشی مامودت می کنند انشاءالله. رشتیها بقیه در صفحه ۶

رفیق ونداد ایمانی

بدست مر تجعین...

بقیه از صفحه ۱
و انتقام خون همه شهدای خلق را خواهد گرفت.

رفیق ونداد ایمانی که بود؟
رفیق در سال ۱۳۲۷ درازندران تولد یافت و پس از پایان دوره تحصیل ابتدائی در شیرگاه بهلت تنگستی خانواده، ناچار به ترک تحصیل شد و از نو جوانی در کارخانه نساجی شماره ۲ قائم شهر (شاهی) به کارگری پرداخت. رفیق پس از هفت سال کار در کارخانه نساجی، به استخدام راه آهن درآمد و بعد از هفت سال به عنوان کمک راننده لکوموتیو کار کرد. رفیق ونداد ایمانی با وجود کار سختی که داشت دوره متوسطه را به پایان رساند. و پس از اخذ دیپلم در روستاهای شیرگاه به تدریس پرداخت و تا روز شهادت به آموزش کودکان روستا مشغول بود. رفیق یکسال پیش ازدواج کرده بود و دارای کودکی سه ماهه بود.

رفیق ونداد ایمانی که از نو جوانی منسی اشتراک و حشیانه سرمایه داران را با تمام وجود خود لمس کرده بود، در راه مبارزه بخاطر رهایی کارگران و زحمتکشان و علیه اشتراک گران و ارتجاع، راه سرخ فدائی را برگزید و همین امر باعث شد، ارتجاع که مرگ خود را در آگاهی توده ها می بیند با یک توطئه طراحی شده، رفیق را ششانی و روز شنبه ۱۳ مرداد در راه قائم شهر به شیرگاه، زسر ضربات چاقو و سپس ضربات ننگ از پای در آورد.

رفیق در جریان فعالیت های انتخاباتی، در آگاه نمودن توده ها از حقوقان و افتخاریش نویسی قانون اساسی به طور فاضل شرکت داشت. از این رو مورد کینه و دشمنی عناصر مرعج قرار گرفت. مزدورانی که در جریان روزهای پیش از انتخابات به اعمال ننگین خود افزودند و با بیشتر تمام باجناحتات نیروهای انقلابی حمله کرده و از پیش و نسب بیانیه و اعلامیه های که برای آگاهی مردم توزیع می شدند جلوگیری می کردند، آنها که با چوب و چاقو و چاقو بسیاری از مردم را در روزهای پیش از انتخابات مجروح ساخته سرانجام راه را به رفیق شهید ونداد ایمانی بستند و او را به شهادت رساندند.

سازمان چریکهای فدائی خلق همسدا با همه نیروهای انقلابی و همه مردم آگاه ایران همراه خواستار دستگیری و مجازات عناصری هستند که مستقیم و یا غیر مستقیم در این جنایت دست داشته اند.
خلقیهای مبارز آگاه ایران دست جنایتکار این مرتجعین ضد انقلاب را با قدرت تمام کوتاه خواهد کرد. راه سرخ فدائی تاریخی کامل زحمتکشان خلق از چنگ امپریالیسم و ارتجاع ادامه خواهد یافت و از هم اکنون اعلام میداریم که مسئولیت عواقب هرگونه کوتاهی در دستگیری و مجازات مسببین این جنایت فجیع برعهده مقامات دولت و کمیته ها است.

تمام هستی فدائیان تمامی قهرمهای خون ما وقت تودمست. آنان که انقلابیون راستین خلق را بخون می کنند باید بدانند که هرگز نمی توانند از چنگ مردم بگریزند. پیروزی از آن خلقتاست.
تدویر رفیق شهید فدائی خلق ونداد ایمانی مرگ برامپریالیسم و ارتجاع پیروز باد مبارزات جویطلانه خلقتی ایران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا و هموطنان مبارز
پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.
تهران - بلوار کشاورز، خیابان دهکده (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
تلفن ۵۵۹۹۹۹ (بهاات مراجعه و تلفن بستان از ساعت ۲ الی ۸ صبح)
آدرس پانکی - تهران، بانک ملی ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۰۸
بنام عباس فنیل کلام.
از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم فیش پانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.
شماره حساب امواز - ۲۹۹۲ -
بانک تهران شعبه مرکز -
محمد ابراهیم اکبری

حال به سراغ برخی از چهره های برجسته این دوران بویژه در زمینه طنز می رویم و می گوئیم بیشتر به ارائه آثار بپردازیم چرا که در این فرصت کم معرفی نویسندگان و شاعران ممکن نیست. در ضمن لازم به توضیح است که نقل این آثار یعنی تأیید دیدگاه، نویسنده یا شاعر نیست تنها برای آشنائی با مسائل آن زمان است. ممکن است در برخی از آثار نقل شده مطالب به شکل درست طرح شده باشد یا با شرایط زمان حاضر تطبیق نکند.

کارگر در مجلس اعیان

کارگر در مجلس اعیان!
از: میرزا علی اکبر طهرزاده صابر (۱۹۱۱ - ۱۸۶۲) شاعر بزرگ قفقاز.
ترجمه منقو از: احمد خفائی
ای کارگر، آیا شمری خوشتر انسان؟
انسان شدن ای لات، نمسول است و نه آسان.
هر کس بود انسان، بودش جاه و جلالی
هر کس بود انسان، بودش مال و منالی.
همت بکناری بودش، منزل عالی.
این کلبه مشروطه منهدار تو سامان
انسان شدن احق، شمار اینقدر آسان!
ببخود شده ای قاطی در مجلس اعیان.
بشین و مشو داخل در صحبت آنان.
جایز نبود صحبت انسان و فقیران.
با اهل فنا نیستی ای لات، تو یکسان!
انسان شدن احق، شمار اینقدر آسان!
دانه است بمت... و توانگر که مساوات؟
دارند هم از شکل و هم از اصل منافات.
بی پول چگونه بکنند فضل خود اثبات؟
این منتع آیا بودت قابل امکان؟
انسان شدن احق، شمار اینقدر آسان!
چکش زن وزاننده منه پای فراتر.
گفته اند مساواتی، در حد مقرر.
آخر ز چه بابت تو شبیهی به توانگر؟
روزانه یک عیاسی است مزد تو نغمیلیان!
انسان شدن احق، شمار اینقدر آسان!
چون هست زر و سیم، شرافت بود از ما،
املاک چو داریم، ایالت بود از ما،
عدلیه ز ما، صدر حکومت بود از ما،
کشور به خیالت مگر از تو شده خان - خان؟
انسان شدن احق، شمار اینقدر آسان!
(این شعر در ۱۹۵۷ - کمی بعد از صدور فرمان مشروطه در ایران - سروده شده است)
دروس الاشیاء
از: «چرند و پرند دهکده»

دروس الاشیاء

(شماره ۲۵ روزنامه سورا سرفیل، سفر ۱۳۲۶ ه. ق.، دوسال پس از صدور فرمان مشروطه)
نه! - جان! - این زمین روی چه؟ - روی شاخ گاو.
گاو روی چه؟ - روی ماهی.
ماهی روی چه؟ - روی آبه.
آب روی چه؟ - وای وای الهی رویت بیره، چقدر حرف می زنی، حوصله سرفت.
آفتابه لکن شش دست شام و ناهار هیچی!
گفت نغوره صل و خربزه با هم نمی سازند، نشنید و خورد، یک ساعت دیگر یارو را دیدم مثل مار بهخوش می بیند، گفت نگفتم نغوره، این دوتا با هم نمی سازند، گفت حالا که این دوتا خوب با هم ساخته اند که من یکی را از میان بردارند!
من می خواهم اولیای دولت را به صل و رؤسای ملت را به خربزه تشبیه کنم، اگر وزارت علوم بگوید توهین است، حاضر دوست و پنجاه حدیث در فضیلت خربزه و یکصد و چهل و نه حدیث در فضیلت صل شاهد بکنم.
ساحبان این جور خیالات را فرنگیها «آثارشیت» و مسلمانها خوارج می گویند، اما شما را به خدا حالا دست خوبی نیچسید یخه من، خدا پدرتان را بیمارزد من هر چه باشم دیگر آثارشیت و خوارج نیست.
من هیچ وقت نمی گویم برای ما بزرگتر لازم نیست، میان حیوانات بیزبان خدا هم شیر پادشاه درندگان است و به سرخ عبارت شیخ سندی، سیاهکوش هم رئیس الوزرات بلکه درازکوش هم رئیس کشیکخانه باشد.
میان میوه ها هم گلایه شاه میوه است و کلم هم شاید یک چیزی باشد و اگر مشروطه هم به بنیادین سرایت کرده باشد که سبب زمینی لایب... (چهر عرض کنم که خدا را خوش بیاید) باری برویم سر مطلب.

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزو دیگ



اعتصابات کارگری دولت استرالیا را با خطر سقوط روبرو کرده است

دست به اقدامات شدیدی زده است. دستگیری رهبران اتحادیه‌های کارگری که خبر آن در کار شماره ۱۷ درج شد و تصویب قوانین جدید ضد کارگری که بموجب آن کسانی که دست به اعتصاب بزنند از کار بی‌کار خواهند شد، از جمله این اقدامات هستند. در دو هفته اخیر نیز حدود دویست موزه تولیدی تعطیل شده است.

آری، سرمایه داران در تمام جهان از قدرت و اتحاد کارگران هراس دارند و برای مقابله با خواسته‌های منطقی آنان از هرگونه اعمال از کنتار، دستگیری گرفته تا شکنجه و زندان ابایی ندارند.

اعتصاب کارگران حمل و نقل در ایتالیا

کارگران حمل و نقل و شرکت نفت ایتالیا روز ۱۱ مرداد ۵۸ در استیلا به اعتصاب سه روزه زدند. در نیمه این اعتصاب حمل و نقل و سوخت جت به فرودگاهها و پست‌های بنزینها با دشواری روبرو شد. و در فرودگاه رم نیز کارگران شرکت نفت ایتالیا از دادن سوخت به هواپیماها خودداری کردند. کارگران ایتالیایی خواهان انعقاد یک قرارداد جدید کارگری هستند.

بعد از دوام اعتصابات پدیدین کارگری در استرالیا، مبارزات کارگران وارد مرحله نوینی شده است و دولت «مالکوم فریزر» را با خطر سقوط روبرو کرده است. اعتصابات اکثر صنایع و مادن... را فرا گرفته و تاکنون ضربات زیادی به اقتصاد استرالیا وارد کرده است و تنها اعتصاب ده هفته‌ای ۲۵۰۰ کارگر معدن سنگ آهن «پیلیمبرا» (ناحیه غربی استرالیا) ده میلیون تن به صادرات استرالیا که دومین کشور صادرکننده سنگ آهن است ضرر زده است. خواسته‌های کارگران معدن اضافه دستزد چهار درصدی و بهبود شرایط کار و زندگی است. دولت برای مواجهه با اعتصابات کارگران

اعتصاب باراندازان استرالیا

در (۵۸/۵۸/۹) برابر اعتصاب باراندازان بنادر استرالیا فعالیت کشتیرانی در این کشور بحال توقف کامل درآمد. این اعتصاب روزانه ۱۰ میلیون دلار خسارت مالی به دولت استرالیا وارد میکند. علت اعتصاب اخراج غیر قانونی ۲۲ تن از باراندازان در غرب استرالیا است.

اعتصاب عمومی در بولیوی

علت این اعتصاب یکروزه اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری بود. نظر به اینکه هیچکس از سه نامزد ریاست جمهوری بولیوی در انتخابات اول ژوئیه این کشور اکثریت قاطع را بدست نیاورد است کنگره بولیوی باید در مورد اینکه کدامیک از نامزدها باید رئیس جمهوری کشور شود تصمیم نهایی را خواهد گرفت.

پلیس بولیوی در روز ۱۲/۵۸/۵۸ بولی هواداران یکم از نامزدهای ترقی‌خواه ریاست جمهوری این کشور در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی لاپاز آتش گشود و در نتیجه یک تن کشته و بیش از بیست تن زخمی شدند. این تیراندازی در پایان اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته روز ۱۱/۵۸/۵۸ که از طرف سازمان مرکزی کار که بزرگترین گروه اتحادیه‌های کارگری است اعلام شده بود صورت گرفت.

کشتار و بازداشت اعتصاب کنندگان توسط پلیس دومینیکن

داشتند آتش گشود. در نتیجه در این زنجیر ۷ تن کشته و ۲۵ تن دیگر زخمی شدند. و پلیس سانتا دومینیگو نیز اعلام کرد ۵۰۰ تن را بازداشت کرده است. با افزایش قیمت هر گالین بنزین در دومینیکن یک دلار و ۸۵ سنت شد.

سندیکاهای رانندگان شهری در جمهوری دومینیکن بتوان اعتراض به افزایش ۲۸ درصدی برای بترین وقت در روز ۱۱/۵۸/۵۸ مرداد. به یک اعتصاب ۲۴ ساعته دعوت کرد. در جریان این اعتصاب پلیس و ارتش بولی گروهای تظاهر کننده که قصد یک راهپیمایی اعتراض آمیز به افزایش نرخ بنزین و نفت را

بقیه از صفحه ۱

هرگونه خیانتی به مردم از جانب...

های جدید منتقد می‌کند، تمسب آور هم‌بیت که چرا به قوانین دادرسی ارتش متوسل می‌شود. داستان ارتش، پرسنل انقلابی و سایرین و هاج انقلابی را تهدید می‌کند. برای مردم این سؤال مطرح است که پس فرق این رژیم با رژیم گذشته چیست؟ در گذشته اگر کسی اعتراض می‌کرد که چرا با امپریالیسم قرار دادهای نظامی بسته می‌شود و چرا فراردهای چند میلیونی خرید اسلحه اعضا می‌شود جزایش اعدام و زندان بود. و امروز نیز داستان ارتش به مردم می‌گوید که اگر سبایان برآید محکومیت‌های طولی‌المدت در انتظار آنهاست. اما داستان ارتش باید این واقعیت را درک کند که مردم ما مبارزهای خونین را پشت سر گذارده‌اند و در این میان سلطه آگاهی آنها بسیار بالا رفته است، آنها دیگر زبانه این تهدیدها نمی‌روند. ما معتقدیم که اطلاعاتیه داستان ارتش توطئه‌ای بر علیه خلق و یوزو پرسنل انقلابی است. ما معتقدیم که هرگونه خیانتی برهم از جانب هر که باشد باید افشا شود و هر سندی که بر علیه منافع خلق تنظیم شده باشد، باید مردم ایران آگاه گردند.

ننانده و خدمتگزار شاه مزدور بودند و از این روست که مردم قوانین را که در چنین مجلسی تصویب رسیده معتبر نمی‌دانند. پس چگونه دولت بخود جرات می‌دهد و دستگیرانه ترین قوانین رژیم گذشته یعنی قوانین دادرسی ارتش را معتبر اعلام می‌کند. ما سؤال می‌کنیم که مگر رژیم گذشته این قوانین را برای سرکوب توده‌های مردم وضع نکرده و با ستاد قوانین دادرسی ارتش هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق را روانه میدانهای تیر و زندان های خود نکرده پس چگونه است که پس از سرنگونی رژیم باید قوانین ضد خلقی آن همچنان معتبر باشد و داستان ارتش به قوانینی استاد کند که در اوج دیکتاتوری رژیم پهلوی یعنی در سال ۵۳ به تصویب رسیده است. طبیعی است هنگامیکه دولتی از افشای اسناد محرمانه، از افشای قراردادهای اسارت بار و از افشای زد و بندهای خود با امپریالیسم نگران است، باید هم که برای جلوگیری از افشای آنها قوانین رژیم گذشته را علم کند. وقتی که دولت بازرگان بر خلاف خواست مردم محرمانه باقیاء قراردادهای رژیم گذشته با امپریالیسم آمریکا می‌پردازد و یا قرارداد

تاریخچه جنبش کارگری جهان اولین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس) قسمت چهارم:

مارکس و انگلس مدافعان سرسخت کمون پاریس



آموزگارانی که بر طبقه کارگر در آلمان و فرانسه به رهبری کمون پاریس در ۱۸۷۰ میلادی (۱۲۴۹ هجری) "طبقه کارگر فقط بوسیله سرنگون کردن سرمایه داران با نیروی اسلحه می‌تواند قدرت را بدست گیرد."

پرویزنده‌اش در نابود کردن قلمی تیرم رئیس دولت بورژوازی فرانسه که در ورسای کمین نشسته بود، و همه راهزنان ورسای تشویق میکرد. او عقیده داشت که برای از بین بردن اتروای کمون پاریس، باید سرمایه در خارج از شهر پاریس همچنین در سایر کشورها به کار توجیهی و تبلیغی دست زد. مارکس همچنین به کمون اصرار میکرد که انقلاب را بنحوی در روستاها اشاعه دهد، با معناتان متحد شده و آنان را به مبارزه بکشاند. او بویژه بر لزوم مصادر به بانک فرانسه بنظر قطع منبع اقتصادی مرجعین اصرار داشت. مارکس همچنین تا آنجا که مقدور بود اطلاعاتی را در خصوص ارتباط منفیانه پروس و ورسای فراهم می‌کرد و در اختیار رهبران کمون می‌گذاشت. او کمون را به تقویت مواضع دفاعی خود تشویق کرد و نیز از مدافعان کمون خواست تا فریب ذروغهای دولت پروس را که ادعا داشت در دعوی پاریس - ورسای بیطرف خواهد ماند، نخرند. جای تاسف است که رهبران کمون نتوانستند این رهنمودهای بسیار ارزش مارکس را بدرستی بکار بندند.

کمون پاریس عدالتا توسط پلانکیست‌ها و پرودونیست‌ها که هیچکدام آنها مارکسیست نبودند رهبری میشد. مبانی اعتقادی پرودونیست‌ها، آنان را به مخالفت با هرگونه «دیکتاتوری» وادار میکرد. آنها معتقد بودند که دشمنان را باید با «نیکی و احسان» برای راست هدایت کرد. از سوی دیگر پلانکیست‌ها امیدوار بودند میتوانند سوسیالیسم را از طریق فعالیت‌های ترویجی و منفیانه یک منت افراد و بدون شرکت توده‌ها، تحقق ببخشند. پلانکیست‌ها و پرودونیست‌ها عقاید یکدیگر را رد میکردند. پرودونیست‌ها جزوای منتشر کرده و پرده از اختلافات در درون کمون برداشتند. مارکس

در سه شماره گذشته اعتلای جنبش انقلابی فرانسه را در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، قیام کارگران پاریس و استقرار اولین دولت کارگری جهان و دستاوردهای این دولت انقلابی و حمله ارتجاع به کمون پاریس و دفاع قهرمانانه طبقه کارگر و زحمتکشان پاریس از انقلاب خود و سرانجام شکست کمون را بررسی کردیم. در این شماره به موضوع گیرها و حمایت‌های مارکس و انگلس از کمون پاریس می‌پردازیم.

مارکس و انگلس آموزگارانی بزرگ پرولتاریا که توجه زیادی به جنبش کارگری فرانسه داشتند. از نزدیک جریان قیام پاریس و تشکیل کمون را تعقیب کردند. مارکس که در آن زمان در لندن به حال تبعید بسر میبرد، تمام هم خود را متوجه این نبرد عظیم انقلابی کرده بود.

در پانز سال ۱۸۷۰ میلادی (۱۲۴۹ هجری شمسی) مارکس بارها به کارگران پاریس توصیه کرده بود: مادامیکه شرایط به حد کافی مساعد نشده است از دست زدن به قیام مسلحانه خودداری کنید. اما زمانی که در مارس ۱۸۷۱ (۱۲۵۰ هـ ش) پرولتاریای فرانسه فتک بدست گرفت و با یک انرژی انقلابی و سرکش برای تسخیر قدرت به حرکت درآمد، مارکس فزانه از انقلابیون حمایت کرد و به کمون پاریس کمکهای فراوانی کرد. وی با شورو شغ و صفنا پذیری در این باره نوشت:

«چه نرمی، چه ابتکار تاریخی، ارزنده‌ای وجه از خود گذشته‌گی شکوه‌مندی! تاریخ نمونه دیگری با چنین عظمتی به خاطر ندارد.»
تولد کمون پاریس، بورژوازی جهانی را سخت به وحشت انداخت. این بورژوازی کمر با مسلح «اتحاد مفسد» ضد انقلابی متحد شده بود، تمامی دستگاه تبلیغاتی را برای انتشار انواع شایعات بی‌اساس بنظر ایجاد و تحت در میان مردم بکار انداخت و در سطح جهانی بدست کمون را مورد حمله قرار داد. مطبوعات بورژوازی آلمان، آمریکا و انگلستان کمون را متهم کردند که «حکومت ترویز ایجاد کرده است. تزار الکساندر امپراطور روس در حالیکه در ظاهر «صلح» بین فرانسه و پروس را توصیه میکرد و می‌کوشید نقش میانجی را در منازعات بین این دو کشور بعهده بگیرد، طرفین را به ایجاد تفاهم برای سرکوبی کمون پاریس تشویق می‌کرد.

مارکس و انگلس که سینه‌هاست از مبارزات انقلابی کمون پاریس را به‌عده گرفته و دفاع سرسخانه از قدرت نوین انقلابی در پاریس را وظیفه خود میدانستند، در مقابل این حملات کینه‌توزانه دشمن طبقاتی در داخل و خارج فرانسه، بی‌خاستند. آنها در حد امکان و با تمام قوا برای بسیج هواداران کمون پاریس و حمایت موثر از آن، آزاره دور به اقدامات مهمی دست زدند. آنان از طریق دشواری عمومی بین‌المللی اول کارگران، نامه‌های متعددی برای نشأت متحد بین‌المللی در کشورهای مختلف ارسال داشته و ضمن تشریح ماهیت پرولتری قیام پاریس دولت کمون و اهمیت تاریخی آن، از کارگران همه کشور های جهان خواستند تا به یاری کمون پاریس بشتابند. مارکس و انگلس مقالاتی در مطبوعات کشورهای مختلف انتشار داده و در آن چهره واقعی انقلاب پرولتاریایی پاریس را نشان دادند و تمهتا و دروغ بردارهای بورژوازی جهانی را افشاء کردند.

تا زمانی که کمون پاریس وجود داشت، مارکس از نزدیک جریان انقلاب را تعقیب میکرد و راهنمایی‌های موثری در زمینه جهت‌گیری‌ها و حرکت‌های کمون ارائه میداد. او پیکنهایی را برای تناس با کمون و ارائه رهنمودهای منظم و گرفتن اطلاعات دست اول به پاریس روانه میکرد. این رهنمودها شامل تاکیک مبارزه، تکنیک‌های نظامی و همچنین تدابیر اقتصادی - اجتماعی بود، که باید اتخاذ میشد. وی کمون را به ادامه پیشروی

توضیح در باره مقالات ترویجی اقتصاد سیاسی و درباره حزب

از آنجا که صفحات نشریه کارمحدود است و از آنجا که اخبار و گزارشات کارگری و دهقانی و همچنین افشاگری‌ها و تفسیرهای سیاسی رزنامه بدلسیل اهمیت که دارند و به دلیل طبیعت نشریه که در درجه اول چاپ چنین مطالبی است، می‌باید قطعا در همین نشریه به چاپ برسند، ناچار بودیم از چاپ برخی از مطالب ترویجی در نشریه خودداری کنیم. از همین رو هیئت تحریریه نشریه تصمیم گرفت از این پس اقتصاد سیاسی را که مطلبی عام به حساب می‌آید، بطور جداگانه و یا در نشریه نبرد خلق به چاپ رساند. در ضمن مطلب درباره حزب از چند شماره آینده بطور مرتب ادامه خواهد یافت.

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

ادبیات مشروطه هنوز تازگی دارد!

حمت کرده به فکر فترا می‌افتد انشاء الله. مملکت از دست نبرد انشاءالله...

شعر از نسیم شمال (سید اشرف‌الدین)

اشرف از این پیش جبارت مکن
با همه خلق منم خصم و ضد
متبسم متبسم متبسم
مطربکا، خیز و بزنج وورد
دولت اگر رفت، به تخم رسودا
می‌خورم از خون رعیت شراب
هیچ تترسم ز عذاب و عقاب
من چه کنم خصم شده تر نماغ
زیر و زیر شد همه ساوجبلاغ
رفت آرومیه خراسان بس است
هیچ نباشد خود طهران بس است

مثل شاه مخلوع!

نقل از روزنامه بهلول، شماره ۱۶، سال ۱۳۲۹ ه. ق. (پنج سال پس از مشروطه)

بمدیریت شیخ حسن
گویند که دستهای ز جهال
تا مثل زمان شاه مخلوع
باشند اسیر دست قزاق
بر گردنشان نهاد حکومت
مشروطه طب کنند توقیف
در ضمن به فرقه دموکرات
بهلول گر این سخن پذیرد
فرضا که بودند چون بهایم
عاقل نکند تصور ایراک!

دوز و کلک انتخابات!

(در انتخابات دوره سوم، سال ۱۲۸۹ شمسی)
از: ملک‌الشراء بهار.

ماه مشروطه در این ملک طلوعیدن کرد
انتخابات دگر بار شروعدین کرد
شیخ در منبر و محراب خوشعین کرد
حقه و دوز و کلک باز شیوعین کرد
وقت جنگ و جدل و نوبت فحش و کتک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است
این وکالت نه به آزادی و خوش تعلیمی است
نه به دانش تاریخ و حقوق و شیمی است
بلکه در تبلیسی و کم دلی و پرسیمی است
یا به یوتین و کلاه و فکل و تعلیمی است
یا به تبسیج و بهصامه و تحت‌الحنک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است
حضرت آقا خوش باش که فالت فال است
از زر و سیم دگر جیب تو مالامال است
هر که آقاقت، نکو طالع و خوش اقبال است
که نمایندگی مجلس و قیل و قال است
گاو میرآخور و بیرونی و چوب و فلک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است
طرفه عهدیت که هر گوشه کنی، روی فراز
گله دزدان بینی بر استفاده
نه ادارات میراست نه محراب نماز
هر که دزدت بهر جای بود محرم راز
هر که نزدی نکند همسر خیار و خنک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است

سانسور اشعار فرخی یزدی در «بهار آزادی»!

حسنا ترانه زیبایی را که با استفاده از غزل معروف فرخی یزدی «آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی» ساخته شده است شنیدم و ولی شاید ندانید که در «بهار آزادی» ما دوبیت از این غزل سانسور شده است. البته از طریق همان «خود» - سانسوری که شرایط بهخاطر مترجمان تحمیل می‌کند. در اینجا ما متن کامل این غزل را که شرایط زمان خود

او را توصیف می‌کند چاپ می‌کنیم:
آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی
تا مگر بدست آرم دامن و سالش را
با عوامل تکثیر صف ارتجاعی باز
در محیط طوفانزای، ما را نبرد جنگ است
شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار
می‌توان ترا گفتن پیشوای آزادی
فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل
دل تثار استقلال، جان فدای آزادی

بنی از یک غزل دیگر فرخی یزدی در رابطه با انتخابات مجلس:
هیچ چیزی نیست کاندید قبضه اشرف نیست
گر وکالت هم فتد در چنگشان انصاف نیست
شاه و دربار و وزارت عز و جاه و ملک و مال
هیچ چیزی نیست کاندید قبضه اشرف نیست
بسکه از سرمایه‌داران، مجلس ما گفته پر
اعتبارش هیچ کم از دگه صراف نیست
پوستش با داس برکن با چکش مغزش بکوب
هر توانگر را که با ما قلب قلبش صاف نیست
حرفه و زحمت چو اوصاف وکیل ملت است
بگذر از هر کسی که او دارای این اوصاف نیست
و سرانجام اینهم یک رباعی و منقح حال از فرخی یزدی:
چون مرتجعین آلت نیرنگ شدند
التصه بنام حفظ اسلح زکفر
یکدسته ز روی سادگی رنگ شدند!

بر خلق ستمدیده بلوچ چه می‌گذرد؟



بهشت گرمی چنین دولتی است که در سراوان، بهمن‌خان بارگزی بکلمک منشی عصر خود فروخته وفاند و... دهقانان و مردم شهر را تهدید به مرگ یا اطاعت می‌چون و چرا میکند. بهمن‌خان بارگزی زیر نظر رئیس شهربانی در این شهر حکومت نظامی اسلام کرده و مردم را تهدید می‌کند که اگر او را بپدریند و باز افراد تحت فرمان خلیل‌خان و یکی از خاله‌های محلی سراوان به‌لاولک در سراوان به قصد غارت و دزدی حمله میکنند. ۱۵ نفر از اهالی را گروگان می‌گیرند و تعدادی گوسفند با خود می‌برند و تقاضای ۱۵۰ هزار تومان باج برای آزادی گروگانها می‌کنند. خلیل‌خان و همدمش به‌باینه اینکه دهقانان دیگر از او اطاعت نمی‌کنند این یورش را ترتیب می‌دهند. به‌پشتوانه چنین دولتی است که خلیل‌خان در بر سروره از دعات سراوان قابل و دزد را که دهقان زاندهای را می‌کشد و گوسفندانش را می‌برد از زاندارمری آزاد می‌کند.

پس از حمله وحشیانه و ضرب و جرح هفت هوادار سازمان را بازداشت کردند

امیدیه اهواز - روز شنبه ۲۳/۲۳/۵۸ چند نفر از فرزندگانی و خریداران روزنامه کار در امیدیه مورد حمله گروهی از اوباش و چاقوکنان قرار گرفته و مجروح شدند. مجروح شدگان برای شکایت به کمیته مسجد جامع مراجعه می‌کنند اما بعضی ورود مستگیر می‌شوند. نفر سوم نیز که به خاطر جراحاتش قرار بود توسط مأموران کمیته به بیمارستان منتقل شود سر از بازداشتگاه در می‌آورد. فردای آن روز ۴ نفر دیگر از هواداران سازمان که قبلاً شناسایی شده بودند مستگیر می‌شوند. بدنبال مستگیری این رفق مأموران کمیته شبانه هفت نفرشان را به کمیته میانکوه منتقل کرده و در آنجا آنها را تحت فشار و تهدید قرار می‌دهند. مأموران کمیته زمانی که قصد داشتند مستگیرشدگان را به اهواز منتقل کنند با مقاومت آنها روبرو شده و بالاخره مجبور می‌شوند چهار نفر از مهاجمان را بنام شیرالی - راکیبور - هوشمند - ابوالحسنی (که سابقه طولانی در دزدی، اوباش سواد مخبر دارند) مستگیر کنند اما پس از انتقال رفق به اهواز «مستاران» دانستان وقت انقلاب اسلامی اهواز حکم زندانی کردن آنها را صادر می‌کند. سپس به‌زندان کارون منتقل می‌شوند. همزمان با این انتقال مهاجمین نیز آزاد می‌شوند. هفت نفر هواداران سازمان طی نامه‌ای از محیط حقتان آور زندان شکایت می‌کنند. ولی مسئولان زندان برخلاف تمام موازین زندانبان زخمی را معالجه نمی‌کنند و حتی از دادن وسایل اولیه به آنها نیز خودداری می‌کنند و یک نفر ساواکی را برای تحت فشار قراردادن آنها به سلولشان می‌فرستد. براساس آخرین خبر رفقای ما تا یک هفته پیش در زندان بوده‌اند و ما هنوز خبری کماکی از آزاد شدن آنها باشد دریافت نکرده‌ایم

توضیح در مورد یک خبر
در شماره ۲۱ روزنامه کار مورخ ۱ مرداد ۵۸ خبری تحت عنوان «توقفیت کارگران شرکت ساختمانی فرکاره درج شده بود. در خبر مذکور اشتباه محال و زاندارمری و استفاده از چوب و چاق برای پراکندن کارگران ذکر شده بود که بدینوسیله تصحیح می‌شود.

دامه میشود که در حیطه تسلط خود امنیت منطقه را که در واقع چپاول و سرکوبی مردم است، بهمه بگیرند. در چاه بهار و کنارک، هرک از تنگنادران و مزدوران وی ماهیانه ۱۵۰۰ تومان از دولت مزد و ۱۵۰۰ تومان باج و مالیات منظم از مردم می‌گیرند. حتی زاندارمری ایرانشهر، «نفر» در اختیار شیرانی‌ها گذاشته و چراغ‌خان با هلیکوپتر هنگ زاندارمری مناطق زیر حکومت خود را کنترل مینماید. کازرونی، فرمانده کل ناحیه زاندارمری استان، در زمان شاه فرمانده هنگ ایرانشهر بوده که در دزدی با قاچاقچیها و خوانسین همدست شده ولی دزدی ۸۰۰ هزار تومانی لو می‌رود و از سمتش در ایرانشهر برکنار می‌شود. ایشان به‌برکت انقلاب و روی کار آمدن دولت به اصلاح انقلابی آقای بازگان برگردانده شده و فرمانده کل ناحیه زاندارمری میگردد.

دربارهٔ وسائل ایمنی کار

بلافاصله جان خود را از دست میدهد. بعد از این اتفاق بلافاصله با بیمه مأمورانی که از مرکز برق تهران بمسجل حادثه آمده بودند، با مشاهده اوضاع با وقاحت تمام جسد ویرا مجهز به وسایل ایمنی می‌نمایند و به‌پزشک قانونی منتقل می‌کنند و بدنبال آن مسئولین مربوطه علت حادثه را سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات ایمنی از جانب کارگر مژبور ذکر می‌کنند. بدنبال مثالی دیگر به‌شرکت ساختمانی پارابل - کارگاه لاله، سازنده خانه‌های سکونی لاله مابین دودیزل آباد واقع در تبریز می‌رویم. سماء پیش یک کارگر از طبقه چهارم پائین سقوط و فوت میکند (خانواده کارگر مژبور برخلاف ادعای شرکت مین بر استفاده از بیمه، گویا فقط سه هزار تومان از بیمه دریافت داشته‌اند). پس از این حادثه شرکت مقداری وسایل ایمنی نامرغوب که استفاده از آنها برای کارگران دست و پاگیر و ناراحت کننده است تهیه و در اختیار آنان میگذازد. بعد از دو هفته تمام این وسایل را از کارگران می‌گیرند. حدود یک‌هفته پیش نیز یک‌داریت فلزی از ساختمان نیمه‌تمام چهارطبقه پائین می‌افتد که خوشبختانه آسیبی به کسی وارد نمی‌آید. در روز ۲۹/۲۹/۵۸ یک کارگر بملت نیودن وسایل ایمنی در ساعت ۸:۵۰ صبح از طبقه چهارم به‌زمین سقوط و حدود ساعت ۱۰:۵۰ فوت می‌کند. بلافاصله کارفرما حتی قبل از اینکه کارگر آسیب دیده را به بیمارستان برسانند مأمور خرید شرکت را بدنبال خریدن وسایل ایمنی

نتیجه انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری...
خودشان هم مسئول شمارش آرا و اعلام نتایج والته نتیجه هم از پیش معلوم بود. اما با همه این‌ها گردانندگان انتخاب و مسئولان امر شکت بزرگی، متحمل شدیده شکتی که حکایت از آگاهی روزافزون توده‌ها و انشای ماهیت انحصار طلبان دارد. مردم استقبال آن چنانی از انتخابات نکردند و حتی بنا به آمار دولت کمتر از نصف رای دهندگان در انتخابات شرکت جستند. آمار انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری روز افزون توده‌ها از احیای روابط گذشته و از سیاستهای انحصارطلبان است. این آمار نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس خبرگان، تازه بعد از همه تقه‌های پنهان و آشکار فقط می‌توانند مدعی شوند که نماینده اقلیت مردم هستند، چرا که اکثریت مردم از آنها پشتیبانی نکرده‌اند. پرواضح است که قانون اساسی که باید با شرکت نمایندگان همه مردم تدوین شود نمی‌تواند به‌مدت گروهی که تازه پس از این همه تقلب به‌عنوان نماینده اقلیت از صندوقها بیرون آمده‌اند، تدوین و تصویب شود.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



گزارشی از:

مبارزات کارگران
شرکت حفاری ایران ردینگ اندیتس



طبق طرحی که از طرف شرکت نفت اعلام شده است، قرار است کلیه شرکت های حفاری چاه های نفت تعطیل شود و تنها شرکت سداپران با ۶ دکل چاه کار خود را ادامه خواهد داد. جمع کل کارگران این شرکتها در حدود ۴۷۰۰ نفر می باشد. تاکنون دوشترک بنامهای وست برن وستافنی تعطیل شده است و با توجه به آنکه از طرف صاحبان امریالیستی این شرکتها و شرکت نفت چیده شده است کلیه کارگران این دو شرکت اخراج خواهند شد. هم اکنون کارگران مبارز شرکت های حفاری در برابر اخراجها، مبارزه گسترده ای را آغاز کرده اند و خواستار ملی شدن کلیه شرکت های حفاری و استخدام رسمی خود در شرکت نفت شده اند. در زیر گزارش میخوانید از مبارزات کارگران قهرمان ردینگ اندیتس. کارگران اصلی شرکت ردینگ که عملیات حفار چاه را بر عهده داشته در سرچاه می باشند. تعداد کل کارکنان این شرکت ۶۵۱ نفر ایرانی است. قبل از قیام ۶ چاه شرکت کار می کرد اما تا ۲۵ تیر تنها دوچاه آن کار می کردند، اکنون پس از یازده سال مشخص شده است که سه چاهی که در اختیار شرکت بوده و نتایج بود که متعلق به شرکت نفت است، صاحب امریالیستی شرکت آنها را از طریق بانک توسعه صنایع و معادن خریداری کرده است کارکنان شرکت از لحاظ حقوق در یک طبقه وسیع از ۳۵ تومان در روزگرفته تا حدود ۱۰۰۰ تومان (برای کارمندان بالای شرکت) حقوق می گیرند. نسو کار کارگران بدین نحو بوده است که دو هفته مدام روزی ۱۲ ساعت کار کنند و یک هفته استراحت نمایند. شدت و سختی کاروتوان کارگران را از آنها گرفته و شدیداً خسته می شوند. اکثر کارگران شرکت های حفاری اهواز در شهرستانها زندگی می کنند و غارتگران خارجی هیچگاه سعی نکرده اند که در نزدیکی محل کار کارگران یا در اهواز برای آنها مسکن تهیه کنند.

سوابق مبارزاتی کارگران ردینگ اندیتس

در سالهای گذشته که رژیم دیکتاتوری شاه هرگونه حرکت کارگری را با شدت سرکوب می کرد کارگران حفاری برای دست یابی به خواستهای صنفی خود دست به چند اعتصاب زدند.

در سال ۲۹ کارگران چاه ۵۹ سدکو دست به اعتصاب زدند و خواستار برآوردن شدن خواستهای صنفی خود شدند. علی رغم تهدید ساواک و کارفرما بدستگیری کارگران اعتصاب همچنان ادامه یافت. ساواک ده نفر از کارگران را بازداشت و سپس اخراج نمود. اما بر اثر مقاومت کارگران شرکت مجبور شد دو ساعت اضافه حقوق را تقبل کند. در اواخر سال ۵۴ کلیه کل شناسان و جفاران چاه های ردینگ اندیتس دست به اعتصاب زدند اما مقاصد شرکت با استفاده از تمام امکانات سرکوب و اخراج دوشتر بنامهای برزو و کلانتر اعتصاب را درهم شکستند. مهمترین اعتصاب کارگران ردینگ در اوائل مهرماه ۵۷ بود. در این اعتصاب توسطه های مدیران برای درهم شکستن اعتصاب، بخت وحدت و یکپارچگی کارگران درهم شکست و شرکت مجبور شد که خواستهای صنفی کارگران از جمله حق مسکن از ۲۷۰ تومان به ۶۰۰ تومان و ۲۵ درصد اضافه حقوق و... را بپذیرد.

پس از آن دوران حکومت نظامی اهواز کارگران چاه ۶۵ دست به اعتصاب سیاسی زدند و با کارگران شرکت نفت و سلطان کشور تا پیروزی نهایی اعلام همبستگی کردند. پس از سرکوبی رژیم شاه تنها دو دکل شرکت شروع به کار کردند که در این مدت ۵ چاه نفتی را آماده کردند. در همین اوان زلزله اخراج و تعطیل شرکت بکوش کارگران رسید. کارگران چاه های ۵۷ و ۵۸ با انتشار اعلامیه های هرگونه توطئه بر علیه کارگران را محکوم کردند و خواستار استخدام رسمی در شرکت نفت و ملی شدن چاه های نفت شدند. اما بسنور شرکت نفت تنها یک چاه به کار ادامه داد و بقیه کارگران بیکار شدند. در روز دوشنبه ۴ تیر تمام کارگران دربار جمع شدند. آنها پلاکاردهای با خود حمل می کردند که بر روی آنها نوشته شده بود: «اتحاد کارگران تنها راه مقابله با بیکاری و امپریالیسم است»

حکامی که کارگران قصد راهپیمایی داشتند یکی از عوامل وابسته شروع به کارکنش کرد و گفت هرگونه اعتراض و راهپیمایی، طرح افراد ضد انقلاب است، اما او با اعتراض کارگران روبرو شد. یکی از کارگران گفت: «ما کارگران دیگر فریب شما عوامل سرمایه دار را نمی خوریم. شما همیشه بر علیه کارگران توطئه کرده اید. در گذشته همین شما بودید که انقلابیون واقعی را خرابکار می گفتید و حالا همانها را ضد انقلاب می نامید. ما ابتدا شورای کارگری را تشکیل می دهیم، سپس راهپیمایی می کنیم و آن گاه اعتصاب می کنیم تا شرکت نفت ما را به استخدام خود درآورد. کمیته فعلی از نظر ما تمام شده است. زیرا ما گول خوردیم و کسانی را انتخاب کردیم که افکار سرمایه داران را به کارگران تحمیل کردند. آنها مثل رژیم سابق همیشه خواهسته های سیاسی و صنفی ما را محدود و تقاضای ما را خواسته نامه کنند. آنها همگی مقام گرفتند آنها نمایندگان کارفرما هستند نه نماینده کارگر و تنها کسانی نماینده واقعی ما هستند که اعتقاد واضح به پیروزی کارگران دارند» سپس چند کارگر دیگر سخن سخنرانی خود هرگونه تسویه حساب را محکوم نموده گفتند هرکس بخواهد تسویه حساب کند حتی از روسای شرکت رشوه گرفته و به کارگران خیانت کرده است. ما بهیچ وجه تسویه حساب نمی کنیم. کارگران کمیته وسندیکای سابق را منحل کردند و گفتند که تنها شورای جدید قانونی است.

یکی از کارگران در سخنرانی خود گفت: «همیشه ما را از کمونیستها ترسانده اند و من بهترین دریافته ام که کمونیستها مدافع کارگرند آنها دنبال هیچ مقام و پستی نیستند»

در همین اثناء یک روحانی با تفاق شخص دیگری بنام گلچین بطرف کارگران آمدند و برای کارگران سخنرانی کردند تا آنها را قانع کنند که کمیته را بپذیرند و شورا را منحل کنند اما کارگران نپذیرفتند. فردای آنروز کارگران با اعلامیه ای از سوی رئیس شرکت روبرو شدند که دستور اخراج کارگران را در ازای پرداخت یکماه حقوق در هر سال داده بود. اما کارگران نپذیرفتند و حاضر به تسویه حساب نشدند. کارگران مبارز شرکت ردینگ و شرکت های حفاری دیگر طی انتشار اعلامیه ای چنین نوشتند: «ما بخوبی آگاهیم که در طی این تسویه حساب چه سرنوشته ای انتظارمان را می کند. تسویه حساب و حتی پرداخت سالی چندماه غرامت بهیچوجه درد ما را که درد بی کاری و گرسنگی است، درمان نخواهد کرد. در پی هر تسویه حسابی گرسنگی زن و فرزند و سرگردانی کمین کرده است»

خواست کارگران شرکت های حفاری بخاطر استخدام در شرکت نفت و ملی شدن چاه های نفت و اخراج عناصر مزدور کاملاً منطقی و عادلانه است. هرگونه تعلل در برآوردن این خواستها بی توجهی به منافع طبقه کارگر و توده های مردم است.

روابط غارتگرانه شرکتهای تعاونی روستائی باید از بین برود

برای روشن شدن ماهیت این اساتمامه کافی است به بررسی چند ماده که بر اساس آن وام توزیع میشود، بپردازیم:

ماده ۳- از آئین نامه معاملات اعتباری شرکتهای تعاونی روستائی به منظور تقویت بنیه مالی و توسعه امور شرکت در برابر یکپارچگی روال وام نقدی و یا مبلغ کمتر از آن معادل یک سهم از سهام شرکت بام وام گیرنده کسر میگردد. با این حساب شرکت تعاونی علاوه بر بهره بانکی ۶ درصد همچنین ۵ درصد نیز بعنوان افزایش سهام یعنی مجموعاً ۱۱ درصد در موقع پرداخت، از مبلغ وام کسر میکنند. علت این امر را از یک کشاورز گیلانی که خود در سال جاری مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به شرکت تعاونی بدهکار ۲۸۲۰ سهم در شرکت دارد، جویا شدیم، او اظهار داشت:

«دولت میدانند، هر سال که میگذرد از میزان توانائی مالی مان کم میشود ولی در عوض وامی که میگیریم، سهامان افزایش می یابد، بالاخره کار به آنجا میرسد که در ازای عدم توانائی پرداخت، سهامان ضبط میگردد».

ماده ۳- میزان وام قابل پرداخت بهسر عضو بسته به امکانات مالی شرکت و با توجه به میزان سهام خریداری عضو - ظرفیت تولید میزان احتیاج - نوع مصرف وام و قدرت بازپرداخت بدهی از طرف وام گیرنده و متناسب با مخارج عملیات طرح یا برنامه مورد نظر با مرجع تصویب کننده وام خواهد بود.

نیمه - حداکثر هر یک از انواع وام قابل پرداخت بیک عضو و نرخ بهره وام طبق نظر سازمان مرکزی تعاونی روستائی خواهد بود.

ماده ۳- آنجا که تأکید بر «میزان وام قابل پرداخت بهر عضو را بر حسب میزان سهام خریداری شده، عضو دارد، بر روشنی ماهیت چپاولگرانه شرکت تعاونی را مظهر باید دست سلفخر و تزول خواری در صورت قطع کند نشان میدهد، شرکت تعاونی با شرایط دشوارتر از سلفخران و تزول خواران از قبیل صرفی خامن ویا وثیقه و کم بودن میزان وام، علاست آنان را برای غارت روستائیان بازگذاشته است. همچنین در موقع پرداخت

در سال ۱۳۴۸ مدیر عامل با کمک سرپرست دو ماه قبل از موعد مقرر شروع به جمع آوری وامهای پرداختی نمودند و اعضاء با تحمل فشار زیاد و زیان قابل ملاحظه بدهی خود را تأمین و پرداخت نمودند. باین پولها مدیر عامل به معامله پرداخت و هنگامی توانست مطالبات ناشی از تجارت را جمع آوری کند که دو ماه نیز از موعد استرداد وام گذشته بود در این شرایط اعضاء نه تنها وامی را که دریافت کرده بودند، دو ماه زودتر پرداخت کردند، بلکه مشمول پرداخت بهره دیگرگرد نیز شدند.

از دیگر نمونه های سوء استفاده مالی، در هنگام پرداخت وام صورت گرفت. این ترتیب بود که هیئت مدیره با همکاری سرپرست حوز، در ازای گرفتن رشوه وام بیشتری پرداخت میکرد.

در نتیجه از وام پرداختی بندگان که حتی احتیاج بیشتری بدان داشتند، کم میشد. بعنوان نمونه در یکی از روستاهای گیلان یک معلم مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال وام داده شد، در حالی که به خوشبختان روستا که عضو شرکت نیستند، حداکثر وامی که داده شد ۵۰۰۰ ریال میباشد. در مجموع چون این شرکت بدیهیهای است که از خارج بروستا تحمیل شده و منافع واقعی آنان را در نظر ندارد عملاً پس از سالها فعالیت هیچ گره اساسی از کار آنان نگذرد. در وظایف ۱۲۵ ماده ای شرکت های تعاونی روستائی و دیگر بخشنامه علاوه بر حق دخالت های مستقیم و غیر مستقیم به وزارت تعاون روستاها در اداره امور شرکت های تعاونی داده شده است، مأمورین سازمان مرکزی تعاون روستائی بصورت عامل و اداره کننده تعاونی ها درآمد و جانشین فعالیت و کوشش اعضاء شده اند تعاونی واقعی آن است که بوسیله مردم بوجود آمده و از طرف آنها اداره شود و نقش دولت در تعاونی ها باید از طریق کمک و ارشاد باشد نه دخالت. امر تعاون و همکاری بین روستائیان از دیر باز وجود داشته و ناشی از انجام کارها و مسائل کشاورزی بود که از عهد یک نفر بر نمی آید. و باین دلیل با هندبگر همکاری میکردند. از نمونه های آن می توان از همکاری روستائیان در ایجاد شبکه های آبیاری و قنوات در برداشت محصول دامداری، راه سازی و غیره یاد کرد. تناقضی که بین خودیاری و روحیه سنتی تعاونی روستائیان با وضعیت این شرکتها موجود بود باعث شد که بهیست تعاونی بومی در واحدهای کار زراعی (بنه گاوبند، صحر...) تاحدودی لطمه خورد. رژیم گذشته که نماینده سرمایه داری وابسته و زمینداران بسزرگ بود در مواردی با استفاده از شرکت تعاونی توانست حتی کوچکترین اشکال همکاری و تشکل روستائیان را از بین ببرد و در گزارش شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران آمده است: «قبل از تاسیس شرکت تعاونی در روستای «پشیوا» عددهای در حدود ۱۰۰ نفر شرکتی تاسیس نمودند و با جمع آوری مقداری پول اقدام به خرید برنج از مازندران و فروش آن در «پشیوا» و دهات اطراف آن نمودند. همکاری این عده سه سال یعنی تا تاسیس شرکت تعاونی روستائی «پشیوا» طول کشید و در این مدت بخوبی بکار خود ادامه میداد و سود حاصله نیز سالانه بین اعضاء تقسیم میگردد. از اقدامات بعدی این شرکت که بهیست مدیره تقسیم به انجام آن داشت دایر نمودن فروشگاه هائی علاوه بر فروشگاه برنج، از قبیل قصابی،

باید تمام مظاهر وابستگی در روستاها از بین برود

وام از زارع تمهید گرفته میشد که حق فروش محصول را ندارد تا اینکه دولت از او خریداری کند. اگرچه روی این زیاد با فشاری نمیشد. با وصف بر این اگر تعدادی از دهقانان بدهی بسلفخر و... نداشتند که مجبور به فروش محصول خود شوند و میخواستند آنرا بدو بفروشند، دولت بدون در نظر گرفتن هزینه های انجام شده در مراحل مختلف (کاشت برداشت) نرخ محصول را در اطاق در بسته هیئت مدیره شرکت تعاونی که معمولاً از دهقانان مرفه انتخاب می شد، بخاطر وضعیت کم و بیش خوب مالی عملاً فعالیت بسود روستائیان انجام نمیداد و کاملاً ملغی سر رستان حوزها بود.

سرپرستها نیز بنوبه خود بخشنامه های را که از سازمان مرکزی تعاونی روستاها صادر میشد، اجرا میکردند.

باین خاطر نسبت به جریان کار شرکت و انتخاب هیئت مدیره یک حالت بی تفاوتی در اکثریت قریب با تفاق اعضاء شرکت مشاهده میشد. که این نشانه درک اعضاء از تضادیت که بین منافع آنها و جریان رهبری شرکت وجود دارد و فقط در موقع دریافت و پرداخت وام، متوجه شرکت هستند. اعضاء شرکت نه تنها خود را وابسته و در پناه شرکت نمی دانند، بلکه عضویت در شرکت را تا حدودی بریان خود میدانند. در نظر آنان، عضویت در شرکت های تعاونی و خرید سهام آن در درجه اول امتیازی بود که دولت در ازاء دادن زمین به آنان، از ایشان گرفته بود. علاوه بر توزیع وام که بهیست مدیره شرکت های تعاونی بود، جمع کردن اعضاء برای شرکت در جشنهای شادمانی و بردن دهقانان برای

نظاف فروش و غیره بود. ولی متأسفانه با تاسیس شرکت تعاونی روستائی در «پشیوا»، شرکت قبلی در شرکت تعاونی ادغام شد. و چون هیئت مدیره نتوانست خود را با نظم جدید منطبق سازد، مستغنی شد و شرکت تعاونی نیز مواجه با مشکلات و در نتیجه گسسته شدن امور و عدم استرداد وام از جانب عددهای، از فعالیت باز ایستاد. آنچه که از چگونگی کم و کیف کار شرکت های تعاونی روستائی بدست می آید ما را بدو نتیجه میرساند:

الف - شرکت های تعاونی از بالا به روستائیان حاکم گشته است.

ب - شرکت های تعاونی نه تنها باری ازدوس روستائیان بر نداشته، بلکه عامل همسری در اشتغال و ورشکستگی آنان بوده است. حال چه باید کرد

با اینکه دولت خود را حامی زحمتکشان میدانند، هنوز بهبودی در وضع زحمتکشان روستا حاصل نکتند و بازقوانینی که در گذشته در روستاها در جهت منافع سرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی وضع گشته بود، همچنان اجرا میشود. شاهد این مدعا بخشنامه مورخ ۲۷/۵/۵۸ وزارت کشاورزی و تعاون امور روستاها است. بهیستهای از بخشنامه مزبور توجه کنید:

۱- چون اکثریت وام گیرندگان سال گذشته نتوانستند ب موقع تسویه واریز بدهی خود اقدام نمایند، ضمن توافق بانک تعاون کشاورزی مقرر گردید. بدهی های سررسید و موقوفه شرکت های تعاونی از اعضاء ۶ درصد بهره تسدید دریافت خواهند نمود.

۲- مبالغی اعتبار از طریق سازمان استان در اختیار آن سازمان قرار گرفت. اولویت پرداخت وام با کشاورزان خواهد

*** اداره امور روستاها باید به شوراهای دهقانی «که در آن نمایندگان واقعی روستائیان با انتخابات آزاد دمکراتیک انتخاب میشوند» سپرده شود.**

بود که وام دریافتی قبلی خود را وارسی نموده باشند و در مرحله بعدی در مسورت وجود اعتبار کشاورزان بدهکار می توانستند تسدید وام قبلی از وام جدید با نظر هیئت مدیره شرکت استفاده نمایند.

۳- پرداخت وام بکشاورزان فلا با بهره ۶ درصد در سال خواهد بود و تاکنون هیچ گونه کاهش در نرخ بهره وام بوجود نیامده است. نتیجه اقدامهای بعدی ابلاغ خواهد شد. در این بخشنامه نه از لغو بدیهیهای رژیم پیشین سخن گشته شده و نه از دادن وام بدون بهره که خواست همه روستائیان است. در عوض بازو اد همان اساس نامه گذشته شرکت های تعاونی در بخشنامه آمده است و باز همان آش و همان کاسه! برای آنکه زندگی زحمتکشان روستا بهبود یابد و بدینال آن تسخّل تولیدات کشاورزی بالا رود، باید با آثار و موابق ناشی از رژیم گذشته مبارزه کرد. برای اینکار اولاً اداره امور روستاها باید به شوراهای دهقانی «که در آن نمایندگان واقعی روستائیان با انتخابات آزاد و دمکراتیک انتخاب میشوند» سپرده شود در ثانی باید تمام مظاهر وابستگی در روستاها از قبیل رابطه غارتگرانه شرکت های تعاونی روستائی از بین برود.

منابع:

۱- طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژی جنبش انقلابی ایران - اثر بیژن جزئی.

۲- نبرد با دیکتاتوری شاه. بهیست بزرگترین دشمن خلق و زاندارم امپریالیسم اثر بیژن جزئی

۳- اساتمامه شرکت های تعاونی روستائی از انتشارات وزارت تعاونی و امور روستاها

۴- گزارش از شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران.

حق تعیین سر نوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

روز ۲۱ مرداد، سومین سالگرد شهادت

رفیق مرتضی (امیر) فاطمی را گرامی میداریم



رفیق در سال ۱۳۲۷ در محله فقیر نشین خانی‌آباد بدنیا آمد. در رابطه با زندگی در این محله شناخت کاملی از تمیزات جامعه طبقاتی پیدا نمود با این شناخت رفیق امیر وارد دانشگاه کشاورزی کرج شد و پیوسته دریافت که گشتن از مرزهای طبقاتی راحل مسائل اجتماعی ما نیست و گشتن از این تمیزات که یک طرف آن طبقه زحمتکش که مستقیم و غیر مستقیم استثمار میشوند و طرف دیگر آن این دزدان کاره رباخواران جان خونخواران و جنایتکاران تاریخ طبقه حاکمه وابسته به امپریالیسم بیژ با یک انقلاب که نیروی محرکه آن طبقه پالنده کارگر و دیگر زحمتکشان باشد میسر نمیگردد این برداشت او در سال ۲۹ در سازمان طوفان بسطلامتو آموزش پرداخت پس از دستگیری اعضاء سازمان در این سال مستقلاً بهمسراه دیگری دوستاش اقدام بهتشکیل گروه سیاسی نیمه مخفی نمود و یکارهای سیاسی آموزشی پرداخت. رستایخ سیاهکل نیز نقطه عطفی درزندگی سیاسی او بوجود آورد. رفیق امیر پس از فارغالتحصیل شدن با عنوان مهندس جهست نزدیکی بیشتر با تودههای زحمتکش و شناخت بیشتر درهای زحمتکشان دوران سربازی خود را داوطلبانه در پارس آباد مغان سبری نمود که باعث قوام بخشیدن بهنفت او نسبت به طبقه حاکمه وابسته شد. رفیق امیر بهشوروت پیوستن بهسازمان چریکهای فدایی خلق ایران جهت بیشتر موثر نمودن اقدامات سیاسی تاکید مینمود او درسال ۵۲ بهسازمان پیوست

و باپیگیری و پشتکار مضموس بود در امور سازمان مشارکت میکرد و در سال ۵۵ پس از شریاتی که برسازمان وارد شد پس از شهادت خواهرش پروین و پس عویش حسین و دیگر همزمان پس از قطع ارتباط با سازمان به تنها آرزویش که شهادت در میان کانیکه بدندان بوی کار میداد، یقههایچرکیندارند ویر دستهایان پینههای ترک خورده هست رسید و بهنگام دستگیری در یکی ازمرغذاری های اطراف کرج در میان کارگران شهادت رسید.

پاین مناسبت خانواده رفیق امیر در این تاریخ با علم بهپیروزی راحشان یاد او و دیگر همزمانش را گرامی میدارند.

انقلاب ارضی در نیکاراگوئه

رهبران جدید نیکاراگوآ درروز ۵۸۵۸ اعلام کردند. بهمنوان اولین گام در جهت اصلاح سیاست کشاورزی زمینهای مملوک به اناناسیوسوموزا دیکتاتور فراری نیکاراگوآ و کانی که در نگهداری رژیم با وی همکاری میکردند به دهقانان بیزمین واگذار خواهد شد.

یکی از رهبران ساندینیستها گفت این کار بهدولت جدید این کشور امکان میدهد اصلاحات ارضی را در نیکاراگوآ سریعتر به مورد اجراء بگذارد. این مقام گفت دولت جدید نیکاراگوآ همچنین بهبرپائی تشکیلات مضموس برای سازمان دادن بهچگونگی تولید در کشور خواهد پرداخت.

روابط غارتگرانه شرکتهای تعاونی روستائی باید از بین برود

یکی از راههای نفوذ اقتصادی بورژوازی کیمبردر روستاها از طریق منابع اعتباری مثل بانکها و شرکتهای تعاونی روستائی است. از این میان نقش شرکتهای تعاونی روستائی که در بین روستائیان بهدستوندق تعاونی معروف است بیشتر از سایر منابع اعتباری است. در سال ۱۳۳۵ طبق قوانین اصلاحات ارضی و تصمیحات دولت، صاحب زمین شدن رعایا مشروط بهضویت آنان در شرکتهای تعاونی روستائی گردید. بدین ترتیب بانچارزارمین که مشمول قوانین اصلاحات ارضی شدند، به عضویت این شرکتهای درآمدند. در قسمتهای از اسانامه شرکتهای تعاونی روستائی چنین آمده است:

«تأمین اعتبارات و وامهای مورد نیازاعضاء انجام خدمات بمنظور بهبود امور حرفه‌ای و یا زندگی اعضاء مانند تهیه ماشین آلات کشاورزی واستفاده مشترک از آنها، تهیه وسایل حمل و نقل برای استفاده اعضاء و تهیه مسکن تأمین وتوزیع آب مشروب وآب برای مصارف زراعی. اعضاء با رعایت قانون ملی شدن منابع آب - پیش‌بینی وسایل بهداشتی و بهداشتی و آموزشی بمنظور استفاده جمعی و مشترک - توزیع نیروی برق، ایجاد شبکه تلفن، تلقیح مصنوعی دامها و مبارزه با امراض و آفات بایبی و حیوانی.»

چون وامهای قبلی را پس ندادیم و شرکت تعاونی بنا مجددا وام پرداخت نکرده است، عضویت در شرکتهای که نتواند وام بعدبرایمان منعی ندارد.»

در مجموع کل فعالیتهای شرکتهای تعاونی در پرداخت وام نقدی بهروستائیان مشخص میشود. این خود نشان میدهد که سیستم سرمایه داری وابسته پیش ازآنچه در شیوه تولیدی سنتی روستاها اثر گذاشته باشد، در سیستم میداده گسترش یافته است. سیستم تولید بهره برداری خانوادگی که چهره عمده روستاهای ایران است، عمدا در مرحله میداده زیرسلطه مناسبات سرمایه‌داری قرار می‌گیرد. تماسی مادهائی که در اسانامه شرکتهای تعاونی و یا بخشنامهائی که بدون اطلاع از وضع و حال کشاورزان صادر می‌شد، موجب فقر روزافزون کشاورزان و سرکینه کردن آنان بهنوعواسطه ها وسرمایه‌داران وابسته داخلی واریابان خارجیشان تمام میشد. بقیه در صفحه ۷

بر خلق ستمدیده بلوچ چه می‌گذرد؟

این عوامل جاسوس تاجایی بیش رفته که مناطق بلوچستان را زیر نظر نایبند خود بنام سرگرد ضیائی فرمانده هنگ ژاندارمری ایران شهر و کازرونی فرمانده ناحیه ژاندارمری استان، بهخان نشینها تقسیم نموده و هرخان مامور سرکوب و چپاول در منطقه محدوده خویش شده است.

دورانی نه‌چندان دور که خوانین با وحشیانه ترین شکلی بهفروش و اجیر کردن اسانها به صورت برده میبردانند و از دهقانان بیکاری میکشیدند موراندام زحمتکشان راست میکند. ترس از مسلط شدن خوانین، لزومسرکوب و دستگیری هرچه زودتر آنها را ایجاد میکرد و دولت هم رسماً از آنها خواسته بود که خود را معرفی کنند زیرا توسط آنها بود که رژیم وابسته بههلوی مردم را در فقر و عقب ماندگی نگه داشته بود و برشدت ستم ملسوس طبقاتی خود بر زحمتکشان بلوچ می‌افزود. اما دولت ماهبتا با دستگیری آنها مخالف بوده بدین علت که آنها وسیله حاشر و آمادای بودند برای سرکوب مردم و پاسخکوئی به خواسته‌های برحق آنها.

در «کار» ویژه خلقها، ۱۱ مرداد ۵۸ گزارش نسبتاً مفصلی درمورد اوضاع کنونی بلوچستان آوردیم. درآن گزارش از توطئه‌ها و چهره‌ها و دستهایی که در پشت آنها بود، پرده برداشتیم. درآن مطلب واقفیت حهای ننگین منطقه، برای خلقهای ایران نشان داده شد. واقفیتهایی که مقامات دولتی در تحقق آن نقش داشته‌اند و هرگز نمی‌توانند از آن بی‌اطلاع باشند. اما آقای بازرگان وقتی در سخنرانی اخیر خود در رادیو تلویزیون به آن زن بلوچ که برنج پختن را نمی‌دانست اشاره می‌کرد و می‌خواست آگاهی خود را از ستمی که بهمردم بلوچ روا شده به‌بینندگان و شنوندگان بقبولاند، گسویی از همستری ماموران و مقامات رسمی با سردارهای خان وابسته به رژیم پیشین ابدا اطلاعی نداشت. ما بار دیگر، اعمال و سیاستهای خائنانهای را که بوسیله خانها و سردارها، با هدایت و دستور ماموران دولتی نسبت بهخلق زحمتکش بلوچ روا می‌شود، با آوردن بخشی از اعلامیه «دانشجویان پیشگام بلوچستان» به آگاهی‌خلق های ایران می‌رسانیم:...

سرگرد ضیائی از ۵۸۴۲۶ در راسک، ایران شهر و میر جاده اسپکه با خوانین سلطنتی ترتیب می‌دهد. پس ازآن، از راسک تا چابهار، بخش قصر قند، دشتیاری دردت میرمولا داد سردار زهی می‌افتد، که برای هرکدام از بخشهای مربوطه یکفر از نزدیکان خود را بمنوان سرپاسدار گمارده است. کنارک زرآباد، بنت، نیکشهر، فوج یا حوزه‌هایشان منطقه زیر سلطه شیرانی‌ها بهسرکردگی بهرام خان و جهانگیرخان شیرانی قرار میگردد. چراغ خان شیرانی رهبر گروه نظامی‌خانهای این منطقه خود تعدادی از مردم بیگناه را در زمان سلطه رژیم دیکتاتوری بهلوی بهقتل رسانده‌است.

آگاهی زحمتکشان بلوچ از حقوق خود و تشکل آنها برای کسب آن دولت را نگران کرد. عدم مشولیت دولت و غلظه قدرت در منطقه راه را برای چولان دادن و گردنه‌گیری و غارتگری عناصر مزدور و سرسردگان بساز کرد. دولت با تحریف و بی‌اعتبارکردنخواست های مردم دست بهادمان منفورترین اشخاص زده، وهمان گسانی را که در صند تقیبتشان بود، همان گسانی را که بطور غیر رسمی دست بهجنایت و چپاول می‌زدند و امنیت منطقه را بهم زده بودند با صلح کردن وتالیف آشکار، بطور رسمی و قانونی مامور سرکوب مسردم بلوچستان نمود. همکاری و پشتیبانی دولت از

پیش از پیروزی قیام همیشه با نیش تهدید آمیز این عناصر روبرو بودند (که اگر شاه برود مالیات عقب افتاده چندین ساله را از شما خواهیم گرفت) سادولرحانه تا به اقدامات دولت بعد از قیام بته بودند، زیرا که یاد

یک نشریه محلی باید چه خصوصیات داشته باشد

چاپ و انتشار نشریات متمدن و جورواجور (روزنامه، مجله، شبنامه، اعلامیه و...) از طرف گروهها و هسته‌های سازمان یا هواداران، پیشروان و پیشگامان در مناطق مختلف لزوم برخوردار می‌گردد. بهین دلیل است که برخلاف قول قبلی مبنی بر نقد و بررسی یک‌بیک آنها، ضروری است که مقتضات خصوصیات یک نشریه محلی برشمرده شود.

مسئله طرف پیشنهادی حاصل جمع بندی اولیه است اما کوشش خواهد شد که بعد ها با نقد یک‌بیک نشریات فرستاده شده این طرح تکمیل شود.

۱- نشریات محلی باید از پرداختن بمسائل عام، بحث‌های انتزاعی و بدون رابطه با مسائل منطقه و محل (مانند تاریخچه مختصر دهقانان از بردباری، یا نظام برده‌داری) بپرهیزند. زیرا این عمل موجب صرف وقت و قوای بسیار زیاد رتقا خواهد شد و آنها را از پرداختن بمسائل خاص منطقه‌ای و محلی باز خواهد داشت.

۲- علاوه بر اکثر موارد این جزوات اشتباهات توزیک فاحش دارند و از نظر سیاسی اهمیتی ندارند و از حیث تکنیک (تعداد، نحوه چاپ، و نظم انتشار) هم بهیچوجه رعایت‌بخش نیستند. مسلم است که باید باین مسائل پرداخته شود. اما تهیه و تدوین چاپ این مطالب از جمله وظایف نشریات سرتاسری است و آنها نیز میکوشند تا حد توانائی‌شان این مهم را بانجام برسانند.

۳- نشریات منطقه‌ای نایبستی بمسائل و مشکلات یک قشر یا یک طبقه (مثلاً منحصراً بکارگران یا منحصراً بهدهقانان) بپردازند. بلکه باید مسائل همه اقشار و طبقات را مورد توجه قرار دهند. بهلاوه نشریات یک واحد تولیدی نیز نباید بهفالیات کارگران یا زحمتکشان آن واحد محدود باشند بلکه باید حاوی اخبار و مطالبات دیگر واحد های تولیدی و مناطق هم‌جوار نیز باشند.

۴- باید مسائل مشخص کارخانه، محله و منطقه‌ای که در آن جا فعالیت میشود، مورد توجه قرار گیرد و بخصوص درین جهت بهافتکاری بپردازد. و اسناد و مدارک افشا کننده را چاپ کند. همچنین در جهت جمع بندی این مسائل و مشکلات و ارائه رهنمود مشخص، در هر مورد، حرکت کند مثلاً: راجع بهخواستهای غنم کارگران، دهقانان، کبیله بازاریان، معلمین، محصلین و بطور کلی روشنفکران و غیره؛ راجع بهموارد مهم مبارزه اقتصادی و سیاسی آنها ستاوردهای مثبت آنها، ضعفها و قدرتهای آنها در مبارزه و غیره.



خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن در مجلس خبرگان نماینده ندارد

نحوه انتخابات در استان مازندران ونادیده گرفتن حقوق خلق ترکمن بهترین نمونه غیر دمکراتیک بودن انتخابات مجلس خبرگان بود و نشان داد که دولت چگونه با نقشه ازبیش تمیز شده، انصارمطلبان را بنایندگی ازخلق ترکمن وارد مجلس می‌کند. ونهتتر آنکه ترکمن و نمایندگان واقعی خلق ترکمن بنصدیق و پشتیبانی تمام مردم این ناحیه و شوراهای دهقانی، شیرمحمدرخشنه توماج و عبدالحمیم مستخم بوده‌اند. و این انتخابات یکبار دیگر بهخلق ترکمن ثابت نمود که دولت آگاهانه برای زهرای گذاشتن حقوق این خلق انتخاباتی را بسبک و شیوه‌ای ضد دمکراتیک برنامه‌ریزی نموده تا مجلس خبرگان خود ساخته را به مجلس انصارمطلبان تبدیل کند و مانع ورود نماینده خلقها بمجلس گردد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش